

ماهنامه

# کازیوه

(سپیده دم)

آذرماه ۱۳۸۹

شماره سوم

نشریه جمعی از هواداران حزب توده ایران در کردستان



آزادی ، دموکراسی و عدالت اجتماعی

|    |       |  |   |
|----|-------|--|---|
| ۳  | ..... | سرمقاله  |   |
| ۴  | ..... | گسترش ناامنی خطری جدی برای کشور                          | • |
| ۵  | ..... | آزاد سازی اقتصادی با موج نوین سرکوب و ارباب              | • |
| ۶  | ..... | جنبش دانشجویی در مصاف با استبداد                         | • |
| ۸  | ..... | ادامه فشار بر فعالین سیاسی و مدنی ایرانی در کردستان عراق | • |
| ۹  | ..... | مبارزه خستگی ناپذیر برای آزادی زندانیان سیاسی            | • |
| ۱۲ | ..... | درس ها و تجربیات جنبش ۲۱ آذر                             | • |
| ۱۴ | ..... | تبعیض، نابرابری و اعمال خشونت بر ضد زنان                 | • |
| ۱۵ | ..... | از مبارزه سندیکاهاى کارگری حمایت کنیم                    | • |
| ۱۶ | ..... | پایه گذاری دموکراسی، در مسیر حرکت به سوی سوسیالیسم.      | • |
| ۱۸ | ..... | اجلاس جهانی احزاب کمونیست و کارگری                       | • |
| ۲۰ | ..... | سومین کنگره حزب چپ اروپا، و تصمیمات مهم آن               | • |
| ۲۲ | ..... | بدرود رفیق علی   | • |
| ۲۳ | ..... | دوازدهمین سالگرد قتل محمد مختاری و محمد جعفر پوینده      | • |

=====

به شی کوردی :

لاپه ره

|    |       |   |   |
|----|-------|---|---|
| ۲۵ | ..... | سهر وتار  | • |
| ۲۶ | ..... | سمیناریک و چهند تیپینی!                                     | • |
| ۲۷ | ..... | دریژهی گوشارخستنه سهر په نابه رانی کوردستانی ئیران له ئیراق | • |
| ۲۸ | ..... | قازانجی هه نارده کردنی نهوتی هه ریمی کوردستان بو کییه؟      | • |
| ۳۰ | ..... | سیستمی سه رمایه داری و به زاندنی سنووره نه ته وه بیه کان    | • |

-----

مسئولیت مطالب درج شده در کازپوه بر عهده ی گردانندگان آن است و  
مواضع رسمی حزب توده ایران در سایت حزب به نشانی :  
<http://www.tudehpartyiran.org> /  
انتشار می یابد.

تماس با کازپوه : [tudeh\\_kurdistan@yahoo.co.uk](mailto:tudeh_kurdistan@yahoo.co.uk) □

پایگاه اینترنتی کازپوه : □  
<http://a1۳۲۰.wordpress.com/>

باید با فعالیت خستگی ناپذیر آگاه‌گرانه توده های ستم دیده این مناطق را از این حقیقت آگاه نمود که اعمال غیرانسانی جندالله و انصارالاسلام به جز لکه دار کردن سیمای مبارزات حق طلبانه آنها در راه رقع ستم ملی و مذهبی ثمر دیگری به بار نخواهد آورد.

همچنین ما درباره توطئه خطرناکی که از جانب این جریانات و تسلیح کنندگان و حامیان مرتجع آنها در جریان است به همه احزاب و سازمان های ترقیخواه کشورمان هوشدار باش می دهیم و از آنها میخواهیم که با دقت و احساس مسولیت بیشتری با مسائل و مشکلات این مناطق برخورد نمایند.

بویژه که از هم اکنون نشانه های غیر قابل انکاری از اجرای یک توطئه خطرناک امپریالیستی - ارتجاعی در این مناطق مشاهده می شود که هدف از آن دامن زدن به کینه و نفرت مذهبی در میان ساکنین شیعه و سنی این مناطق و در نهایت هدایت آن به سمت ایجاد یک درگیری تمام عیار مذهبی است.

باید از هم اکنون برای خنثی سازی این توطئه غیرانسانی و بسیار خطرناک چاره اندیشی کرد و مانع از اجرای آن گردید!

تحریریه کازیوه

میهن استبداد زده ما دوران بسیار حساس و بغرنجی را از سر می گذراند و در آستانه چنان تحولات سرنوشت سازی قرار گرفته است که هر گونه کم توجهی و یا نادیده انگاشتن ابعاد مختلف و گاه متضاد آن می تواند موجب آسیب های جبران ناپذیری گردد.

در این خصوص بویژه می توان به تحولات و رویدادهای چند ساله اخیر مناطق ملی - مذهبی و حاشیه ای کشور، از جمله بلوچستان و کردستان اشاره نمود که متاسفانه به هر علت مورد کم توجهی احزاب و سازمان های ترقی خواه و موثر کشورمان قرار گرفته اند.

این در حالی است که این مناطق، به دلایل گوناگون جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی و مذهبی خود ویژه اشان و همچنین بواسطه ستم چندگانه ای که با خشونت هرچه بیشتر از طرف رژیم ولایت فقیه بر ساکنان این مناطق اعمال می گردد، از هر لحاظ در وضعیتی قرار گرفته اند که با بقیه مناطق ایران تفاوت های آشکاری دارد.

به همین علت در مقابله با رژیم و سیاست های سرکوبگرانه و غیرانسانی آن، کنش ها و واکنش های خودویژه ای از خود نشان داده و می دهند که عدم درک جوهره و ریشه های آن می تواند موجب گمراهی و اغفال گردد و تحلیل های نادرستی در پی داشته باشد.

همچنین به دلایل پیش گفته، به خصوص طی ده سال اخیر این مناطق تبدیل به بستر و زمینه ی مناسبی برای رشد خارهای زهر آگین و بسیار خطرناکی از نوع باندهای مرتجع و تروریستی چون «جندالله» در بلوچستان و «انصارالاسلام» در کردستان گردیده است.

البته با اتکا به محکومیت اعمال و اقدامات جنایتکارانه این باندها از سوی همه احزاب و سازمان های مترقی و موثر کشورمان، از جمله احزاب و سازمان های مترقی کرد و بلوچ، می توان گفت هیچکدام از آنها در درک ماهیت ارتجاعی این جریانات تردیدی ندارند. اما آیا این مسئله برای مردم عادی و اکثریت ساکنان این مناطق نیز به همین اندازه واضح و روشن است؟

بدون شک رشد روزافزون و گسترش اقدامات این جریانات پیشاپیش به این پرسش جواب منفی داده است. بنابراین بر همه ی احزاب و سازمانهای ترقیخواه کشور، به ویژه احزاب، سازمان ها و شخصیت های ترقیخواه بلوچ و کرد لازم است که با شفافیت هرچه بیشتر و بدور از ملاحظات نابجای فرقه گرایانه، ضمن تقبیح و محکوم کردن اعمال و اقدامات جنایتکارانه این جریانات همه توان خود را برای افشای نیات پلید و خطرناک آنها در میان توده های مردم بلوچ و کرد به کار گیرند.

## گسترش ناامنی خطری جدی برای کشور

مداخله جویانه نسبت به میهن ما تحریک و تهییج می سازد. تروریسم و جنایت در بلوچستان ریشه در این عوامل دارد. دولت ضدملی کودتا به رهبری ولی فقیه از آنجا که تمام توان و ظرفیت نهادهای امنیتی کشور را که باید در چارچوب قانون و تحت کنترل قوای قانونی، مدافع و سپر امنیت کشور باشند، در خدمت سرکوب و تجاوز به حقوق مردم قراردادده است، این نهادها انگیزه و توان ضرور را برای حفظ امنیت ملی و جلوگیری از پیدایش و گسترش ناامنی و تروریسم در کشور ندارند.

حادثه بندر چابهار فقط یک حرکت کور تروریستی و یا انتقام جویانه نیست و نمی تواند باشد. ناامنی های اخیر حاکی از ناکارآمدی دولت ضد ملی احمدی نژاد و نتیجه اعمال سیاست های مردم ستیز، ضد ملی و سرکوبگرانه ولی فقیه است.

حزب توده ایران جنایت وحشیانه انفجارهای انتحاری در چابهار را که منجر به مرگ و مجروح شدن تعداد زیادی از هم میهنان گردید به شدت محکوم کرده و بار دیگر نسبت به گسترش ناامنی و بی ثبات سازی ایران در سایه تداوم و بقای دولت احمدی نژاد هشدار می دهد. تروریسم و ناامنی فقط و فقط به سود اهداف و منافع استبداد حاکم بر میهن ما، ارتجاع منطقه و امپریالیسم و نیروهای مداخله گر خارجی است.

سایت حزب توده ایران

۲۶ آذر ۱۳۸۹ - ۱۷ دسامبر ۲۰۱۰

حزب توده ایران جنایت وحشیانه انفجارهای انتحاری در چابهار را که منجر به مرگ و مجروح شدن تعداد زیادی از هم میهنان گردید به شدت محکوم کرده و بار دیگر نسبت به گسترش ناامنی و بی ثبات سازی ایران در سایه تداوم و بقای دولت احمدی نژاد هشدار می دهد. تروریسم و ناامنی فقط و فقط به سود اهداف و منافع استبداد حاکم بر میهن ما، ارتجاع منطقه و امپریالیسم و نیروهای مداخله گر خارجی است.

ترور و ناامنی سیاستی در جهت منافع استبداد، ارتجاع و امپریالیسم

ده ها تن از افراد بی گناه در یک اقدام تروریستی در بندر چابهار واقع در استان سیستان و بلوچستان به خاک و خون کشیده شدند.

این اقدام تروریستی و از قبل برنامه ریزی شده که در پس آن می توان هدف های معین سیاسی را به خوبی تشخیص داد توسط گروهی به نام جندالله که از سوی ارتجاع منطقه سازماندهی شده و حمایت می گردد انجام پذیرفت. این جریان واپس گرا مدت هاست از سوی همه حزب ها، نیروها و سازمان های ملی، میهن دوست و انقلابی میهن ما از جمله نیروهای مدافع حقوق ملی خلق های ایران محکوم و افشاء شده است و در ماهیت واقعی آن جای هیچگونه تردیدی نیست.

نکته پراهمیت در این اقدام ضد انسانی و وحشیانه که مستقیماً حقوق و منافع مردم و امنیت ملی ایران را نشانه گرفته است. سیاست های ضد ملی و مردم ستیز رژیم ولایت فقیه و خصوصاً دولت نامشروع کودتاست. از سویی سیاست اعمال ستم ملی و تبعیض مذهبی به خشن ترین شکل ممکن در مناطقی چون سیستان و بلوچستان موجب تنش و نارضایتی ژرف اجتماعی شده که نتیجه آن با توجه به سرکوب سیستماتیک حزب ها و سازمان های مردمی و ترقی خواه، رشد جریانات واپس گرای مذهبی است که در ماهیت خود مشابه باندهای قشری و تاریک اندیش حاکمیت نظیر دولت کنونی (احمدی نژاد) هستند و به روش های تروریستی سعی در پیشبرد مقاصد خود دارند.

و از دیگر سو ماجراجویی های نابخردانه و سیاست توهم آمیز دولت احمدی نژاد در عرصه سیاست خارجی بویژه معادلات منطقه ای، امپریالیسم و ارتجاع منطقه را درانجام اقدام های

## آزاد سازی اقتصادی با موج نوین سرکوب و ارباب

با آغاز اجرای طرح تحول اقتصادی و حذف یارانه ها شاهد موج جدیدی از دستگیری ها، اعدام و ایجاد فضای وحشت در جامعه هستیم.

حزب ما موج نوین بازداشت ها، محاکمات ناعادلانه و نیز اعدام کتیه توزانه و وحشیانه در زندان زاهدان را قاطعانه محکوم کرده و خواستار آزادی فوری همه زندانیان سیاسی از جمله بازداشت شدگان اخیر و لغو احکام ضد انسانی اعدام است.

با آغاز اجرای طرح تحول اقتصادی و حذف یارانه ها شاهد موج جدیدی از دستگیری ها، اعدام و ایجاد فضای وحشت در جامعه هستیم.

پس از آنکه محمود احمدی نژاد اجرای جراحی بزرگ اقتصادی را اعلام داشت، ارگان های امنیتی گروهی از فعالان سیاسی و اجتماعی و روزنامه نگاران را در تهران و دیگر شهرها بازداشت و روانه زندان ساختند.

بامداد ۲۸ آذر ماه یازده تن از ماموران امنیتی با یورش به منزل مسکونی فریبرز رییس دانا، این عضو کانون نویسندگان ایران را بازداشت کردند. علت این بازداشت از سوی مقامات امنیتی و قضایی تاکنون اعلام نشده است.

همزمان به گزارش پایگاه اطلاع رسانی کلمه ۲۸ آذر ماه چهار تن از روزنامه نگاران و فعالان فرهنگی-اجتماعی ضمن احضار توسط وزارت اطلاعات دستگیر شدند. در همین حال قوه قضاییه در هماهنگی و همدستی کامل با نهادهای امنیتی-نظامی و به منظور ایجاد ترس در جامعه هنگام شروع برنامه حذف یارانه ها و افزایش قیمت ها تعدادی از روزنامه نگاران و مبارزان جنبش سندیکایی را محاکمه و برای آنها احکامی نظیر حبس و اخراج از کار صادر نمود. لطف الله میثمی مدیر مسئول نشریه چشم انداز ایران و محمد صادق جوادی حصار سردبیر روزنامه توقیف شده قدس، به ترتیب در تهران و مشهد محاکمه و «مجرم» شناخته شدند. همچنین به حکم دیوان عدالت اداری علی نجاتی رییس پیشین هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه از کار اخراج گردید. رضا شهابی عضو سندیکای کارگران شرکت واحد نیز در درون زندان باردیگر محاکمه شد و در همان حال جعفر پناهی سینماگر مردمی براساس حکم دادگاه به ۶ سال حبس تعزیری، ۲۰ سال محرومیت از ساختن و کارگردانی هر نوع فیلم، نوشتن فیلم نامه و هر نوع مصاحبه و نیز خروج از کشور محکوم گردید.

در ادامه رعب آفرینی، تهدید و بازداشت های جدید، در یک اقدام انتقام جویانه و ضد انسانی ۱۱ تن در زندان زاهدان به حکم دادگاه انقلاب اسلامی اعدام شدند.

بازداشت، محاکمه، صدور و اجرای احکام اعدام همزمان با آغاز رسمی جراحی بزرگ اقتصادی که فقط و فقط اجرای نسخه های ضد مردمی دیکته شده از سوی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی است و به شدت قدرت خرید مردم بویژه زحمتکشان را کاهش خواهد داد، حاکی از هراس کودتاچیان از مردم و ناتوانی رژیم ولایت فقیه در پاسخگویی به نیازهای مبرم جامعه است.

حزب ما موج نوین بازداشت ها، محاکمات ناعادلانه و نیز اعدام کتیه توزانه و وحشیانه در زندان زاهدان را قاطعانه محکوم کرده و خواستار آزادی فوری همه زندانیان سیاسی از جمله بازداشت شدگان اخیر و لغو احکام ضد انسانی اعدام است.

سایت حزب توده ایران

۳۰ آذر ۱۳۸۹ - ۲۱ دسامبر ۲۰۱۰

## جنبش دانشجویی در مصاف با استبداد: ایستادگی کرده ایم، از این پس نیز خواهیم ایستاد

مبارزه امسال در شانزده آذر توجه دقیق به همه ظرفیت ها و بهره گیری از شیوه های متنوع مخالفت و اعتراض را برجسته و آگاهی ژرف جنبش دانشجویی و تشخیص درست لحظه سیاسی و مرحله دشوار کنونی را نشان داد.

امسال بزرگداشت شانزده آذر برای مبارزان و فعالان جنبش دانشجویی کشور حاوی تجربیات و درس های با ارزشی بود. بویژه آنکه دانشجویان به رغم فضای شدید امنیتی حاکم بر دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی با ظنین شعار اتحاد، مبارزه، پیروزی سرزندگی، تداوم و خلاقیت جنبش دانشجویی را به اثبات رساندند.

روز شانزدهم آذر به دنبال فراخوان فعالان دانشجویی دانشگاه امیر کبیر (پلی تکنیک) تهران، صدها دانشجوی در حمایت از زندانیان سیاسی خصوصاً دانشجویان در بند دست به جمع اعتراضی زدند. این گردهمایی با یورش یگان های نیروی انتظامی و بسیج به خشونت گرایید و حداقل چهار دانشجوی بازداشت شدند. دانشجویان نیز ۱۶ آذر ماه گزارش داد: "دانشجویان دانشگاه امیرکبیر به پاسداشت ۱۶ آذر و در حمایت از دانشجویان در بند دست به جمع زدند ... از ساعات ابتدای صبح امروز شانزدهم آذر ۸۹، حدود ۵۰ دانشجوی پلی تکنیک به این دانشگاه ممنوع الورد شده اند ... در داخل دانشگاه نیز نیروی های انتظامات با حضور در پارک دانشگاه (محل اعلام شده برای تحصن امروز) از نشستن و ایستادن دانشجویان در آن جلوگیری می کنند ..."

دانشجو نیوز در تکمیل این خبر ساعاتی بعد اعلام داشت: "پس از ایجاد درگیری بین دانشجویان و نیروهای فشار ... باقری که از اعضای حراست دانشگاه است و نقش زیادی در سرکوب های چندین سال اخیر داشته، ۴ تن از دانشجویان را بازداشت و به حراست منتقل کرد ..."

در روز دانشجویی، دانشگاه آزاد قزوین شاهد گردهمایی بیش از هزار نفر بود که شعار مرگ بر دیکتاتور سر دادند. مطابق گزارش دانشجوی نیوز: "جمع اعتراضی شانزدهم آذر در دانشگاه قزوین با حضور بیش از ۱ هزار نفر از ساعت ده (صبح) از میدان قلم این دانشگاه آغاز شد. این حضور اعتراضی با شعار یا حسین میر حسین آغاز و در حالی بود که حضور نیروهای امنیتی و بسیج هر لحظه گسترده تر می شد و آن ها اقدام به تهدید و فیلم برداری از دانشجویان

نمودند ... در ادامه دانشجویان با شعار مرگ بر دیکتاتور و دانشجویی زندانی آزاد باید گردد، خواستار آزادی دانشجویان و همکلاسی های دربند خود شدند ... در دانشگاه بین المللی قزوین نیز گردهمایی اعتراضی برپا شد که طی آن حداقل ۶ دانشجو به ستاد خبری وزارت اطلاعات احضار گردیدند. در دانشگاه بوعلی سینای همدان، رشت، سهند تبریز، علم و صنعت تهران و برخی دیگر از مراکز آموزشی عالی نیز جمع ها و اعتراضاتی صورت گرفت. روز شانزده آذر با حضور گسترده نیروهای انتظامی در اطراف خیابان های دانشگاه تهران همراه بود. یک روز پیش از این (۱۵ آذر ماه) دانشجویان دانشکده فنی دانشگاه تهران گردهمایی را سازمان داده و با شعارهایی چو مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر این دولت مردم فریب با گرامیداشت شانزده آذر یاد سه آذر اهورایی را گرامی داشتند.

همچنین فعالان دانشجویی با درایت و هوشیاری تحسین برانگیزی چند روز مانده به روز دانشجویی، با انتشار بیانیه هایی عزم راسخ جنبش دانشجویی را در مبارزه با استبداد و ارتجاع اعلام داشتند.

به عنوان نمونه جمعی از فعالین دانشجویی فراخوانی را به منظور برگزاری مراسم روز دانشجوی صادر کردند که در آن تاکید شده بود: "تاکنون ایستادگی کرده ایم، از این پس نیز خواهیم ایستاد ... انقلاب ۵۷، ۲ خرداد ۱۳۷۶، اعتراضات ۱۸ تیر ماه ۱۳۷۸ و در نهایت انتخابات سال گذشته بی شک هر یک نقاط عطفی در تاریخ این مرز و بوم پرگهر ایجاد کرده اند اما افسوس که این مبارزات مستمر تاکنون هدف غایی خود ... را به دست نیاورده ... بر ما دانشجویان آزادی خواه است که در روز ۱۶ آذر سکوت نکنیم و به انحاء مختلف اعتراض خود را به استبداد نشان دهیم ..."

بیانیه دانشجویان دانشگاه آزاد نیز مورد قابل تامل دیگری است که درایت و شجاعت مبارزان جوان و دانشجویان را به اثبات می رساند. در این بیانیه که به امضاء دانشجویان دانشگاه آزاد واحدهای، تهران جنوب، تهران مرکز، تهران شمال، تبریز، کرج، مشهد، شهرری و قزوین رسیده است، یادآوری می گردد: "مدهوشان سرمست از باده قدرت، تیغ در دست عرصه کشور را جولانگاه تاخت و تاز خود ساخته اند و پایداری و مقاومت دانشجویان را در راه دستیابی به آرمان ها نشان تاب نمی آورند و از آن می هراسند. آن کس که در آرای ملت و اعتماد ایشان جنایت ورزد باید هم از فرزندان این ملت بهراسند ... با ریخته شدن خون سه آذر اهورایی در اعتراض به ظلم و استبداد، شانزدهم آذر ماه به نمادی جهت استبداد ستیزی و اعلام حضور جنبش دانشجویی تبدیل گشت ... پس از کودتای صورت گرفته اخیر دولت نامشروع برآمده از آن در طی هفده ماه گذشته و نیز پیش از آن با پایمال کردن و به استهزاء گرفتن عملی اصول

قانون اساسی و عبور از حقوق ملت به صورت پیوسته سعی در غبار آلود کردن فضای کشور داشته است و در این حین به چپاول سرمایه های ملت در این فضای غبار آلود دست زده است و منابع و منافع این ملت را به دست عده ای چکمه پوش و چماق به دست سپرده است ... با تاکید بر اینکه حضور در خیابان ها و برگزاری تجمعات اعتراضی در دانشگاه ها را از راهکارهای موثر مبارزه می دانیم ولی اعلام می کنیم که راه های بی شمار دیگری نیز وجود دارند که باید تمرین شوند ... ثابت خواهیم کرد که دانشگاه، این ... سنگر آزادی هنوز زنده است."

علاوه بر این بیانیه ها که حاکی از تدبیر و آگاهی و احساس مسئولیت ملی است، باید به حرکت درخشان دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه اشاره کرد که در روز ۱۵ آذر ماه با شعار "مرگ بر دیکتاتور"، صفار هرندی، از چهره های تاریخ اندیش ارجاع حاکم را از دانشگاه بیرون راندند. دانشجوی نیوز ۱۵ آذر ماه از کرمانشاه گزارش داد: "صفار هرندی وهیات همراهش با شعارهایی همچون مرگ بردیکتاتوری توسط دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه غافل گیر شدند ... لازم به ذکر است بسیج دانشجویان رازی، طی چند روز اخیر با ثبت نام از دانشجویان و صدور دعوت نامه برای آنچه که آنرا مراسم جشن ۱۶ آذر می نامیدند، تمام تلاش خود را کرده بودند تا صندلی ها اکثرا در اختیار افراد بسیج قرار بگیرد ... پس از شعار مرگ بر دیکتاتور جمع کثیری از دانشجویان شروع به دست زدن های متمادی در حمایت از شعار دهندگان نمودند که تا مدت طولانی ادامه داشت ... در ادامه و به هنگامی که نوبت به سخنرانی صفار هرندی رسید، جمعی از دانشجویان با سردادن شعار از سالن خارج شدند ..."

این مجموعه اقدام ها از صدور بیانیه ها تا تجمع و گردهمایی در روز دانشجوی و نظایر آن با توجه به جو امنیتی و سرکوب شدید فعالان دانشجویی، دستاوردی ارزنده و پراهمیت قلمداد می گردد. چند هفته مانده به ۱۶ آذر کودتاچیان با تشدید اعمال فشارها کوشیده بودند که ترس بر فضای مراکز آموزش عالی مسلط شود. اعمال محدودیت های جنسیتی در دانشگاه شهرکرد، اصفهان و سنندج، صدور احکام اخراج و احضار به کمیته های انضباطی مانند اخراج پر سرو صدای یکی از مبارزان طیف چپ جنبش دانشجویی از دانشگاه ارومیه و بازداشت دو عضو سابق انجمن اسلامی دانشگاه امیر کبیر تهران و تهدید خانواده برخی از دانشجویان شهید در جریان مبارزه و مقابله با کودتای انتخاباتی در سال گذشته، تماما با هدف در موضع تدافعی قراردادن جنبش دانشجویی و ایجاد جو رعب و وحشت در میان توده دانشجویان در سراسر کشور بود. در

کنار این اقدام ها روز ۱۵ آذر ماه و پس از مشاهده اینکه جنبش دانشجویی حاضر به عقب نشینی نیست، ناگهان کیفر خواست بسیج دانشجویی دانشگاه تهران علیه به اصطلاح "سران فتنه" در سطحی وسیع بوسیله خبرگزاری ها و پایگاه های اطلاع رسانی مدافع دولت کودتا منتشر شد. خبرگزاری فارس ۱۵ آذر ماه متن این کیفرخواست یا درحقیقت جو سازی آگاهانه و هدفمند را چنین ارائه داد: "بسیج دانشجویی دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران با ارایه کیفر خواستی علیه موسوی، کروبی ... از قوه قضاییه خواسته اند تا بیش از این زمینه بی اعتمادی توده های مردم نسبت به این قوه را فراهم نکند ... قوه قضاییه حداقل اقدام ممکن را انجام دهد ..."

در روز شانزده آذر نیز خبرگزاری فارس با جو سازی که هدف آن ایجاد جو رعب بود گزارش داد: "در پی اعترافات بنیامین سرپل اصلی ستاد موسوی با گروهک نفاق دستگیر شد ... این فرد نقش موثری در شناسایی و اغفال فریب خوردگان حوادث پس از انتخابات داشته است ..."

به این ترتیب علاوه بر جو پلیسی حاکم بر دانشگاه، کودتاچیان با جنگ روانی-تبلیغاتی حساب شده به مقابله با جنبش دانشجویی و جلوگیری از بزرگداشت آن پرداختند که در پرتو هوشیاری و خلاقیت فعالان دانشجویی در رسیدن به این هدف ها ناکام ماندند.

مبارزه امسال در شانزده آذر توجه دقیق به همه ظرفیت ها و بهره گیری از شیوه های متنوع مخالفت و اعتراض را برجسته و آگاهی ژرف جنبش دانشجویی و تشخیص درست لحظه سیاسی و مرحله دشوار کنونی را نشان داد. این تجربیات دستاوردهای پرازش نه تنها برای جنبش دانشجویی، بلکه برای پیکار سراسری توده ها علیه استبداد به شمار می آید و بی تردید در رشد و گسترش جنبش مردمی موثر واقع خواهد شد. تقویت صفوف جنبش دانشجویی، نزدیکی و تعامل طیف های فکری-سیاسی آن با یکدیگر در تحلیل نهایی به ارتقاء سطح جنبش ضد استبدادی منجر شده و سرانجام استبداد و ارجاع را به عقب نشینی وادار و دولت ضد ملی کودتا را در هم خواهد شکست.

## ادامه فشار بر فعالین سیاسی و مدنی مستقل ایرانی در کردستان عراق

به باور ما فشارهای اخیر آسایش منطقه کردستان عراق را نیز بایستی بخشی از برنامه سرکوب و ارباب فعالین سیاسی و مدنی مستقل کردستان ایران از جانب دستگاه های امنیتی جمهوری اسلامی به شمار آورد و با همه ی توان با آن به مقابله برخواست.

بنابراین از احزاب و سازمان های سیاسی کرد ایرانی مستقر در کردستان عراق انتظار می رود که با استفاده از اهرم هایی که در اختیار دارند مانع از ادامه روند سرکوب و فشار بر این فعالین شوند و از آسایش منطقه کردستان، بویژه آسایش سلیمانیه بخواهند به این رویه خود خاتمه دهد.

بدون شک برد و تاثیر این اقدام، بسیار بیشتر از دلخوش کردن به این است که این فعالین، از سر " اجبار" به این احزاب مراجعه کنند، و کارت هواداری (لایه نگری) از آنها دریافت نمایند.

همچنین در همین زمینه از سازمان ها و احزاب سراسری کشورمان می خواهیم که به دفاع از این فعالین برخیزند و با طرح این اقدام ناپسند آسایش منطقه کردستان عراق در مجامع حقوق بشر بین المللی و واداشتن آنها به اقدامات لازم، مانع از ادامه فشار بر فعالین سیاسی و مدنی کرد ایرانی در کردستانی عراق شوند.

بنابر اطلاعات و اخبار موثقی که به دست ما رسیده است، طی ماه های اخیر اداره آسایش (امنیت) کردستان عراق، بویژه در استان سلیمانیه که تحت کنترل اتحادیه میهنی است، به طور بی سابقه ای پناهجویان و فعالین سیاسی و مدنی مستقل ایرانی ساکن این منطقه را تحت فشار قرار داده و هر روز به بهانه ای بر شدت فشارها می افزاید.

این در حالی است که این پناهجویان از هرگونه حقوق پناهندگی و حمایت های معمول بین المللی بی بهره هستند و از هر لحاظ در شرایط بسیار سختی به سر می برند.

در تازه ترین اقدام اداره آسایش سلیمانیه صدور اجازه اقامت یا تمدید اقامت فعالین سیاسی و مدنی مستقل ایرانی ساکن این منطقه را منوط به داشتن کارت عضویت یا هواداری (لایه نگری) از یکی از احزاب کرد ایرانی مستقر در کردستان عراق نموده است.

در غیر این صورت نه تنها برای آنها اجازه اقامت صادر نمی شود بلکه آنها را تهدید به اخراج و بازگرداندن به ایران می کنند.

آشکار است که این اقدام آسایش منطقه کردستان عراق علاوه بر اینکه در تضاد کامل با همه ی قوانین و پیمان نامه های بین المللی مرتبط با حقوق پناهندگی قرار دارد، نقض ابتدایی ترین اصول حقوق بشر نیز به شمار می رود.

زیرا اجبار افراد به عضویت یا طرفداری از هر حزب یا گروه سیاسی و دینی و غیره طبق اصول اساسی اعلامیه جهانی حقوق بشر، با هر بهانه و دستاویزی که صورت بگیرد ممنوع و اقدامی مجرمانه تلقی می گردد.

این در حالی است که احزاب کرد ایرانی ساکن اقلیم کردستان عراق تاکنون در مقابل این اقدام آسایش هیچگونه موضعگیری مشخصی نکرده و با سکوت خود عملا مهر تایید بر آن نهاده اند.

از طرفی دیگر به علت شدت یافتن سرکوب خشن فعالین سیاسی و مدنی از طرف نیروهای امنیتی رژیم جمهوری اسلامی در کردستان ایران، هر روز تعداد بیشتری از این فعالین به کردستان عراق می گریزند.

نیروهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی نیز با استفاده از ارتباطاتی که با احزاب حاکم بر کردستان عراق دارند، بر شدت فعالیت های خود در آن منطقه افزوده و به اشکال مختلف به تعقیب و تهدید فعالین کرد مستقل ایرانی ادامه می دهند.

## مبارزه خستگی ناپذیر برای آزادی زندانیان سیاسی!

زندانیان سیاسی بی که در چنگال ارتجاع حاکم و کودتاچیان گرفتار شده اند، وضعیت نگران کننده ای دارند. آزادی بدون و قید شرط همه زندانیان سیاسی و عقیدتی بدون استثناء، از آماج های فوری جنبش ضد استبدادی میهن ماست. باید مبارزه برای آزادی آنان را در عرصه های ملی و بین المللی تشدید کنیم!

تشدید فشار بر زندانیان سیاسی طی هفته های گذشته نگرانی های جدی را در داخل و خارج کشور برانگیخته است. با وجود آزادی تعدادی از زندانیان سیاسی در روزهای گذشته، این نگرانی ها همچنان باقی بوده، از میزان فشار به زندانیان سیاسی نیز کاسته نشده است. عباس جعفری دولت آبادی، دادستان تهران، مدتی قبل و در راستای اعمال فشار ارتجاع بر مبارزان دربند، اعلام کرد که، در موضوع اعطای مرخصی به زندانیان سیاسی تجدید نظر صورت گرفته و از این پس برای دادن مرخصی به زندانیان سیاسی رفتار آنان مورد بررسی قرار گرفته و اگر اصلاحی در عملکردشان دیده شد، به آن ها مرخصی می دهیم. دادستان انقلاب اسلامی تهران زمانی مساله جلوگیری از مرخصی زندانیان را مطرح کرد که احمدجنتی و برخی دیگر از کودتاچیان از "اعطای مرخصی های بی مورد" زبان به انتقاد گشودند. ماجرای مرخصی تنها بخش کوچکی از اعمال فشار بر زندانیان سیاسی است. مدت هاست که به گروهی از زندانیان سیاسی نه تنها هرگز مرخصی داده نشده، بلکه از مداوای آنان در بیرون زندان نیز جلوگیری شده است. نمونه هایی نظیر منصور اسالو، محمد اولیایی فرد، عالیه اقدام دوست و احمدزید آبادی کم نیستند. علاوه بر شکنجه و بازجویی توأم با فشار روحی و فیزیکی، در تمام دوران زندان نیز حقوق زندانیان سیاسی رعایت نمی گردد. به دنبال مراجعه های مکرر خانواده های زندانیان سیاسی به مسئولان و شخصیت های حکومتی، پایگاه اطلاع رسانی کلمه، ۲۵ آبان ماه، در گزارشی به نقل از سخنگوی فراکسیون اقلیت مجلس [اصلاح طلبان] از جمله نوشت: "... به بسیاری از زندانیان که مشکلات جسمی دارند، اجازه مداوا داده نمی شود ... یکی از ابتدایی ترین حقوق متهم، آگاه بودن از جرمش است که متأسفانه در ایران رعایت نمی شود. با اینکه بیش از یک سال از انتخابات خرداد سال ۸۸ می گذرد، اما هنوز حکمی برای بسیاری از بازداشت شدگان صادر نشده است ...."

این مسایل البته در سیستم قضایی و چگونگی اداره زندان

ها در جمهوری اسلامی به هیچ رو تازگی ندارد. در دهه خونین شصت کوچک ترین حق و حقوقی برای زندانیان سیاسی قابل نبودند، شکنجه های وحشیانه روحی و جسمی به جوانان، زنان باردار، افراد بیمار و کهنسال رواج داشت و هیچ کدام از زندانیان آن دوره هم حق برخورداری از وکیل را نداشتند.

فجایع امروز ادامه همان سیاست های گذشته است که منجر به یکی از کم سابقه ترین جنایات تاریخ معاصر میهن ما گردید.

از این رو و با شناختی که از ماهیت دستگاه قضایی و دادرسی های رژیم ولایت فقیه وجود دارد، باید به طور خستگی ناپذیر در عرصه های ملی و بین المللی برای حقوق و نجات جان زندانیان سیاسی، فارغ از هر عقیده و گرایش سیاسی و تعلق سازمانی، مبارزه کرد. در این خصوص اخبار و گزارشات نگران کننده ای از وضعیت زندانیان سیاسی شامل مبارزان جنبش کارگری، دانشجویی، زنان، روزنامه نگاران و صدها معترض بازداشت شده حوادث سال گذشته به بیرون درز پیدا کرده است. نامه های عبدالله مومنی و محمد نوری زاد در باره شکنجه ها از جمله این خبرها تلقی می شوند. ابراهیم یزدی، دبیرکل نهضت آزادی ایران، که به صورت غیر قانونی و با اتهامات واهی دستگیر شده است، تحت فشار قرار گرفته تا از مخالفت با سیاست های سرکوبگرانه دولت دست بردارد.

خانواده وی با انتشار نامه بی، خواستار آزادی یزدی شده اند. در بخشی از این نامه یادآوری می شود: "دکتر ابراهیم یزدی ۷۹ ساله، مسن ترین زندانی زندان بد نام اوین است و بار سومی است که در یک سال اخیر زندانی می شود ... او را تحت فشار مضاعف قرار داده اند تا دست از مخالفت در برابر سیاست های سرکوبگر حاکم بردارد. وی با کردار و گفتار خویش به سکوت تن نداده است. ..." وضعیت جسمانی دبیر کل نهضت آزادی وخیم گزارش می شود و از این رو آزادی فوری وی در این نامه خواسته شده است. به علاوه، مبارزان جنبش کارگری کماکان در شرایط سخت و نامطلوبی در زندان بسر می برند. حکم دادگاه تجدید نظر اهواز برای سه فعال سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به اتهام توهین به رهبری، یکی از نمونه های گویا در این زمینه قلمداد می گردد.

منصور اسالو و ابراهیم مددی از مدت ها پیش به شیوه های گوناگون در درون زندان نیز مورد تعرض و زیر فشار شدید بوده اند. منصور اسالو، به گواهی پزشکان زندان، احتیاج مبرم به مداوای بیرون از زندان دارد، ولی تاکنون مقامات قضایی به وی و خانواده او اجازه برخورداری از این حق طبیعی را نداده اند. روزنامه نگاران در بند نیز وضعیت نگران کننده ای دارند. خبرگزاری هرانا، ۲۳ آبان ماه،

گزارش داد: «کیوان مهرگان دبیر سیاسی ضمیمه روزنامه اعتماد ملی که پس از حوادث عاشورا بازداشت و در زندان محبوس بود در دادگاه انقلاب اسلامی به سه سال حبس تعلیقی محکوم شد. هنگامه شهیدی دیگر روزنامه نگاری است که در روزهای گذشته به سلول انفرادی انتقال یافته و تحت فشارهای روحی قرار دارد.» پایگاه اطلاع رسانی کلمه، ۲۵ آبان ماه، در خصوص روزنامه نگار بازداشت شده نازنین خسروانی نوشت: «نازنین خسروانی، روزنامه نگار صبح روز ۱۲ آبان ماه در منزل پدری خود بازداشت شد و پس از یک هفته در تماس کوتاه تلفنی با خانواده، سلول های انفرادی زندان اوین را محل نگهداری اش عنوان کرد، او در همان تماس کوتاه از سرمای سلول های زندان ابراز ناراحتی و درخواست لباس گرم کرده بود... مسئولان زندان اوین پس از اعلام اینکه این روزنامه نگار ممنوع الملاقات است، از پذیرش لباس گرم هم خودداری کردند. کیوان صمیمی، عیسی سحر خیز و احمد زید آبادی نیز از زمره فعالان سیاسی و روزنامه نگارانی هستند که مدام زیر فشار بازجویان و مسئولین زندان قرار دارند.» درکنار روزنامه نگاران، فعالان جنبش دانشجویی در زندان متحمل بیشترین فشارها هستند. کمیته گزارشگران حقوق بشر، ۲۳ آبان ماه، اعلام داشت که، قاضی اجرای احکام با آزادی مشروط محمد پور عبدالله دانشجوی طیف چپ مخالفت کرده است. پور عبدالله دانشجوی دانشگاه تهران در سال ۸۷ دستگیر و سپس در دادگاه انقلاب اسلامی به ۳ سال حبس تعزیری محکوم شد. وی به دلیل مخالفت قاضی هرگز نتوانست همچون دیگر زندانیان سیاسی از حق مرخصی استفاده کند. حسین سرشومی دانشجوی دانشگاه اصفهان در وضعیت سختی در بند الف-ط حفاظت اطلاعات در زندان مرکزی اصفهان (دستگرد) محبوس می باشد. این فعال شناخته شده طیف چپ جنبش دانشجویی بلافاصله پس از کودتای انتخاباتی و در جریان یورش گزندگان مسلح به دانشگاه اصفهان بازداشت گردیده بود. گزارشگران حقوق بشر متذکر می شوند که زندان مرکزی اصفهان (دستگرد) به کهریزک اصفهان شهرت یافته و زندانیان سیاسی در این بازداشتگاه با شدیدترین شکنجه های روحی و جسمی مواجه هستند. تایید احکام اعضای سازمان دانش آموزان ایران اسلامی (ادوار تحکیم وحدت) نمونه دیگری از بی عدالتی و اعمال فشار بر زندانیان سیاسی خصوصا فعالان جنبش دانشجویی است. در این زمینه سازمان دانش آموزان با انتشار بیانیه ای، ۲۳ آبان ماه، خواستار آزادی فوری علی جمالی، حسن زیدآبادی و سایر زندانیان سیاسی، به ویژه اعضای در بند این سازمان سیاسی- دانشجویی، شد. همچنین وضعیت شمار دیگری از مبارزان در بند جنبش دانشجویی افرادی نظیر شبنم مددزاده دانشجوی تربیت معلم کرج، علی قلی

زاده دانشجوی دانشگاه فردوسی مشهد و فواد فریمانی دانشجوی دانشگاه امیر کبیر تهران نا مناسب و نگران کننده گزارش گردیده است. حتی خانواده های این زندانیان نیز مورد تهدید و توهین قرار می گیرند. ادوار نیوز، ۲۳ آبان ماه، در این خصوص تصریح کرد: «دستگاه قضا خانواده زندانیان را نیز تنبیه می کند.»

تشکیل بند سیاسی زنان از دیگر موارد مهم در رابطه با زندانیان سیاسی کشور است. خبرگزاری هرانا، ۲۶ آبان ماه، گزارش داد: «اقدام مقامات زندان در جداسازی زنان سیاسی از سایر زندانیان و محبوس کردن آنان در یک سالن در بسته، نشان از این دارد که مقامات امنیتی در صدد ساختن بند سیاسی زنان هستند.» پایگاه اطلاع رسانی کلمه، ۲۶ آبان ماه، نیز نوشت: «... فقط در سال های دهه شصت و هفتاد سال های پیش از انقلاب به دلیل کثرت تعداد زندانیان سیاسی زن، مقامات زندان ناچار شدند، بند جداگانه ای را به آنان اختصاص دهند. هم اکنون و پس از گذشت نزدیک به ۲۰ سال، باردیگر در نظام جمهوری اسلامی، تعداد زندانیان سیاسی زن آنقدر زیاد شده که نیاز به ایجاد یک بند با عنوان «بند سیاسی» به ضرورتی برای مقامات زندان تبدیل شده است. .. هم اکنون حدود ۱۸ زن سیاسی در بند عمومی زندان اوین به سر می برند که در مجموع بیش از ۷۰ سال حکم زندان دریافت کرده اند ... زنان در دو هفته گذشته از تمامی حقوق خود به عنوان یک زندانی محروم شده اند ... هم چنین از وضعیت عالییه اقدام دوست، فعال حقوق زنان، که پس از اعتراض به این شرایط، به سلول انفرادی منتقل شده بود، اطلاعی در دست نیست. ...»

پایگاه اطلاع رسانی تغییر برای برابری، ۱۹ آبان ماه، گزارش داد: «روز یکشنبه ۱۶ آبان ماه حوالی ساعت ۳۰: ۹ زندانی سیاسی عالییه اقدام دوست به سلول انفرادی زندان اوین منتقل شد. خانم اقدام دوست به دلیل اعتراض نسبت به انتقال زنان زندانی سیاسی به بند متادون، او را به سلول های انفرادی منتقل نمودند.»

عالیه اقدام دوست اولین زن مبارزی است که صرفا به دلیل فعالیت برای رفع تبعیض جنسیتی به بند کشیده شد و مورد آزار و اذیت قرار می گیرد.

کارزار بین المللی حقوق بشر در ایران، ۲۶ آبان ماه، گزارش داد که، عبدالرضا قنبری زندانی سیاسی زیر حکم اعدام قرار دارد، وی دی ماه سال گذشته و در جریان مقابله با کودتای انتخاباتی بازداشت گردید و توسط شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی محاکمه و به اعدام محکوم شده است. وی معلم بوده و دارای سابقه زندان در دهه خونین شصت است. از سوی دیگر فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، ۲۷ آبان ماه، از بازداشت و شکنجه خانم مهری جوان محجوب



دوست خبر دادند. وی نیز از زندانیان سیاسی دهه شصت است که همسرش در جریان حوادث سال قبل دستگیر و زندانی گردید. هنگام دفاع از حقوق زندانیان سیاسی نباید زندانیان گمنام را که در جریان مقابله با کودتای انتخاباتی دستگیر شده اند، فراموش کرد. اغلب این افراد بدون روشن بودن علت بازداشت و اتهام وارده در وضعیت سختی در زندان بسر می برند. پایگاه اطلاع رسانی کلمه، ۲۵ آبان ماه، در مورد یکی از این زندانیان سیاسی نوشت: "ایوب قنبرپوریان یکی از زندانیان حوادث پس از انتخابات، وضعیت جسمانی و روحی بسیار نامناسبی دارد، اما با این حال دادستان تهران و مسئولان زندان با مرخصی او مخالفت می کنند. ایوب ۲۰ ساله و اهل یکی از روستاهای کوه دشت لرستان است که در تهران به عنوان کارگر ساختمانی مشغول بکار بوده است. او در تظاهرات مسالمت آمیز مردم در اعتراض به نتیجه انتخابات ۲۲ خرداد شرکت داشته و به همین دلیل بازداشت و روانه زندان شده است. خانواده قنبرپوریان و هم بندی های او نسبت به وضعیت جسمی و روحی او به شدت اظهار نگرانی می کنند. ..."

زندانیان سیاسی بی که در چنگال ارتجاع حاکم و کودتاچیان گرفتار شده اند، وضعیت نگران کننده ای دارند. آزادی بدون و قید شرط همه زندانیان سیاسی و عقیدتی بدون استثناء، از آماج های فوری جنیش ضد استبدادی میهن ماست. باید مبارزه برای آزادی آنان را در عرصه های ملی و بین المللی تشدید کنیم!

به نقل از نامه مردم شماره ۸۵۷

## درس ها و تجربیات جنبش ۲۱ آذر



رفیق پیشه وری

جنبش خلقی و دمکراتیک ۲۱ آذر در آذربایجان، همواره بر دفاع از استقلال، آزادی، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران در چارچوب منافع مردم، با تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی تاکید می کرد. این جنبش تامین حقوق ملی خلق های ایران را در پیوند با مبارزات سراسری دانسته و پیگیری می کرد، و بر احزاب و نیروهای ترقی خواه و میهن دوست کشور تکیه داشت. این ویژگی ها پی ستون مبارزه برای لغو ستم ملی و تضمین برابری همه خلق های ایران بوده و هست!

چندان تسلطی بر همه مناطق ایران نداشت، شوروی ها در کردستان عراق حزب هیوا را حمایت کردند و در ایران حزب توده را. در آن برهه، جای جای ایران را از شمال روس ها و از جنوب انگلیس ها درنوردیده بودند ... کردستان جنوبی و سندج و کرمانشاه در اختیار انگلیسی ها بود، ولی کردستان شمالی - مهاباد و بانه و سردشت و ... سرزمین بی صاحب مانده بود و مسکو به خاطر به دست آوردن امتیاز نفت شمال از خود مختاری کردها و آذری ها دفاع ... کرد. ...”

با چنین دروغ هایی نمی توان سیما و ماهیت جنبش آزادی خواهانه و ملی ایران، خصوصا نهضت های خلقی در آذربایجان و کردستان را مکدر و خدشه دار ساخت. همچنان که رژیم وابسته و ضد ملی شاه نتوانست! جنبش دمکراتیک ۲۱ آذر ماه، ابتدا خواستی جز تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی نداشت. این دولت مرکزی بود که برخاست به حق مردم چشم فرو بست و با دستور امپریالیسم به مقابله با آن برخاست. با تشکیل حکومت ملی و خود مختار بر پایه اراده توده ها، اقدام ها و اصلاحات دمکراتیک به سود زحمتکشان عملی شد. در گام نخست اراضی خالصه، همچنین املاک بزرگ زمین داران و فئودال ها بین روستاییان بی بضاعت و فقیر تقسیم گردید و برای کمک به دهقانان زحمتکش بانک فلاحت تاسیس شد. سپس حقوق بازنشستگی، حق بیمه برای کارگران و کارمندان با تنظیم قانون کار مترقی تضمین گردید و با تعیین مزد عادلانه و ساعات کار معین، مرخصی سالانه با پرداخت حقوق، مرخصی سه ماهه با پرداخت حقوق برای زنان باردار رسمیت یافت. زنان از حقوق انسانی و حق رای، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برخوردار گردیدند و برای اولین بار در تاریخ ایران در انتخابات آزادانه شرکت جستند. در طول عمر کوتاه حکومت ملی و خودمختار آذربایجان، گام های اساسی

جنبش ۲۱ آذر ۱۳۲۴ آذربایجان، یک رخداد بی ارتباط با تاریخ مبارزات مردم ایران بر ضد استعمار و استبداد نبود. ریشه ها و شرایط تاریخی معینی این جنبش را پدید آورد و شکل داد!

به عبارت دقیق تر، زمینه های تاریخی ظهور و پیدایش آن به نقش برجسته آذربایجان در افشا و مبارزه با استعمار و ارتجاع در کشور ما باز می گردد که در این رابطه می توان به انقلاب بزرگ مشروطیت و جنبش دمکراتیک شیخ محمد خیابانی اشاره کرد. با سرنگونی استبداد رضا خانی، امکانات عینی و ذهنی برای رشد نیروهای انقلابی و میهن دوست جامعه فراهم آمد و فضای کشور در اثر تحولات جهانی و تغییر تناسب قوا به زیان امپریالیسم جهانی دچار دگرگونی گردید که این دگرگونی به مبارزه برای جلوگیری از احیا دیکتاتوری در راه تامین حاکمیت مردم استحکام قابل ملاحظه ای بخشید. در این مجموعه شرایط تاریخی است که می باید نهضت ۲۱ آذر و نیز جنبش ۲ بهمن را باز شناخت و به داوری درباره آن ها نشست.

برخلاف تبلیغات امپریالیسم و وابستگان داخلی آن، جنبش ۲۱ آذر به هیچ وجه ساخته و پرداخته “دست بیگانگان” نبود. چنین اتهام بی پایه و در واقع دروغ پردازی وقیحانه، سیاست رسمی دو رژیم استبدادی بوده و هست. به طور مثال، اخیرا و در آستانه فرارسیدن سالگرد جنبش ملی آذربایجان (۲۱ آذر)، پایگاه اطلاع رسانی تابناک، ۲ آذر ماه، در سلسله مقالاتی با معرفی یک کتاب خاطرات، باردیگر به تحریف تاریخ و دروغ پردازی متوسل شده، به ضد مبارزات قهرمانانه مردم ایران در دهه بیست خورشیدی که شامل جنبش ۲۱ آذر و ۲ بهمن نیز می شود، از جمله نوشته است: “... شاه جوان ایران، پس از شهریور ۱۳۲۰

خواست ها و گفته های ما در درون این نقشه است، هر چه می خواهیم در داخل ایران می خواهیم ... خواست های ما تنها برای آذربایجان نیست، بلکه برای سعادت ایران و همه خلق های ایران است. ...” (سخنرانی زنده یاد پیشه وری، به نقل از: مجله دنیا، شماره ۸، آبان ۱۳۵۹، دوره چهارم، صفحه ۴۶).

به نقل از نامه مردم شماره ۸۵۷

برای تعالی و ترقی فرهنگ برداشته شد. بیش از ۵۰ روزنامه و نشریه اجازه انتشار یافتند، شبکه مدارس بسط یافت و کتابخانه ها و قرائت خانه های متعددی گشایش پیدا کرد. تاسیس تئاتر دولتی و ارکستر فیلارمونیک از دیگر اقدامات فرهنگی حکومت خودمختار بود. تمام این اقدام ها خشم امپریالیسم و ارتجاع داخلی را برانگیخت و به همان میزان حمایت نیروهای ملی و میهن دوست را به همراه داشت. علاوه بر حزب توده ایران، که پشتیبان قاطع مبارزات ملی بود، حزب ”ایران“، از احزاب ترقی خواه و ملی کشور، در شهریور ماه ۱۳۲۵ در روزنامه ”جبهه آزادی“ پیرامون نهضت ۲۱ آذر چنین موضع گیری کرده بود: ”ما نهضت دمکراتیک آذربایجان را برای سعادت ایران لازم دیدیم ... و نهضت دمکراتیک آذربایجان را اسلحه آزادیخواهان ایران شناختیم. ...”

زنده یاد دکتر محمد مصدق نیز در جلسه ۱۹ دی ماه ۱۳۲۴ مجلس شورای ملی، خطاب به حکیمی، نخست وزیر وقت، گفته بود: ”نظریات من این بود که بین دولت راجع به طرز اداره نمودن قسمتی از مملکت با اهالی آن جا اختلاف حاصل شده است. باید با اهالی محل داخل مذاکره شد. ...”

اینهاست حقایق تاریخی بی که دشمنان استقلال و آزادی و پیشرفت ایران می کوشند با دروغ پردازی، وارونه جلوه اش دهند.

جنبش خلقی و دمکراتیک ۲۱ آذر همواره بر دفاع از استقلال، آزادی، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران در چارچوب منافع مردم، با تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی، تاکید می کرد. این جنبش تامین حقوق ملی خلق های ایران را در پیوند با مبارزات سراسری دانسته و پیگیری می کرد، و بر احزاب و نیروهای ترقی خواه و میهن دوست کشور تکیه داشت. این ویژگی ها پی ستون مبارزه برای لغو ستم ملی و تضمین برابری همه خلق های ایران بوده و هست. درعین حال، این تجربیات گرانهای تاریخی ضرورت توجه به حقوق خلق ها و رابطه گسست ناپذیر آن با مبارزات همگانی را در شرایط امروز کشور برجسته ساخته و در برابر ما قرار می دهد. تجربیاتی که باید، تاکید می کنیم، باید در وضعیت حساس کنونی به کار گرفته شوند.

زنده یاد میرجعفر پیشه وری، صدر حکومت ملی و خود مختار آذربایجان و از پیش کسوتان جنبش کارگری و کمونیستی میهن ما، طی سخنرانی بی که به مناسبت نخستین سال تشکیل حکومت خود مختار در ۱۲ شهریور ماه ۱۳۲۵ در بنای تئاتر دولتی تبریز ایراد کرد، ماهیت جنبش ۲۱ آذر را این گونه ترسیم کرد: ”سال گذشته در همین صحنه، نقشه ایران را با انگشتان خود در هوا ترسیم کرده، متذکر شدم که

## تبعیض، نابرابری و اعمال خشونت بر ضد زنان

به مناسبت روز جهانی منع خشونت بر ضد زنان، فعالان و مبارزان جنبش زنان میهن ما در اقدام هایی ضمن گرامی داشت این روز بین المللی به افشای سیاست های زن ستیزانه رژیم ولایت فقیه پرداختند.

در این افشاگری ها نکته مرکزی و محوری، مخالفت با لایحه ضد ملی به اصطلاح حمایت از خانواده بود.

ایلنا در اوایل آذر ماه در مطلبی در خصوص گسترش نگران کننده خشونت های خانگی به ضد زنان از جمله نوشت: “... در برخی کشورها قوانین خاص مقابله با خشونت علیه زنان و خشونت های خانگی به تصویب رسیده و در حال اجراست، اما متأسفانه قوانین ایران در این خصوص سکوت اختیار کرده و تاکنون نص صریحی که حاکی از توجه به این مهم باشد ملاحظه نشده است.”

در ادامه این مطلب به نقش مخرب شورای نگهبان و دولت کودتا در زمینه رواج خشونت نسبت به زنان اشاره غیر مستقیم شده و خاطر نشان می گردد: “صرف نظر از استعمال واژه های “جرائم جنحه ای و خلافی” که بعد از انقلاب با لغو مجازات عمومی و تصویب قانون مجازات اسلامی دیگر کاربردی ندارد و به جای تقسیم بندی جرائم به جنایت، جنحه و خلاف با تقسیم بندی مجازات ها (حدود، قصاص و دیات و تعزیرات) در قانون مواجه هستیم که با تغییری که دولت (دولت احمدی نژاد) در لایحه مربوط به خانواده ایجاد کرده، یک فرصت تاریخی برای جلوگیری از اعمال خشونت علیه زنان از دست رفت.”

علاوه بر این، یکی از کارشناسان حقوقی در مصاحبه ای با ایلنا، ۵ آذر ماه، با تاکید یادآوری کرد: “ازدواج موقت و ازدواج مجدد مردان، خشونت علیه زنان محسوب می شود. خشونت خانگی به جامعه سرایت می کند و باعث گردش خشونت در جامعه می شود. اکنون خشونت ساختاری علیه زنان روزبه روز افزایش می یابد. چند همسری و ازدواج موقت، نه فقط در جهت از بین بردن خشونت اقدام نمی کنند، بلکه فرد عامل خشونت را تشویق هم می کنند.”

در همین حال فعالان جنبش زنان با پافشاری بر ماهیت قرون وسطایی لایحه ضد خانواده مواد ۲۲، ۲۳، ۲۴ و ۵۱ آن را اعمال خشونت آشکار نسبت به زنان، خصوصا زنان طبقات محروم جامعه، می دانند. ماده ۵۱ لایحه ضد خانواده مروج ازدواج دختر بچه هاست و این به معنی خشونت عریان است.

یکی از علل گسترش خشونت در ابعاد مختلف بر ضد زنان

میهن ما، علاوه بر تبعیض و حشمتناک جنسیتی و قوانین قرون وسطایی، ژرفش شکاف طبقاتی و رشد پدیده فقر در جامعه است. در کنار مسایل مهمی چون ازدواج موقت، کاهش سن ازدواج دختران و مواد ارتجاعی لایحه ضد خانواده، طرح عفاف و حجاب، نابرابری در محیط کار، دستمزد کمتر زنان در مقابل کار مساوی با مردان، اخراج زنان کارگر به ویژه زنانی که باردار می شوند، فشار اقتصادی بر زنان سرپرست خانوار و نابرابری در یافتن شغل و جز این ها، از نماد های روشن اعمال خشونت بر ضد زنان است.

مبارزه با اعمال خشونت ساختاری و سیستماتیک رژیم ولایت فقیه نسبت به زنان می باید در همه عرصه ها و با پشتیبانی فعال جنبش سراسری از خواست های جنبش زنان همراه باشد!

به نقل از نامه مردم شماره ۸۵۷

## از مبارزه سندیکاهای کارگری حمایت کنیم

«مقابله با اصلاح قانون کار برای تامین حقوق سندیکایی»

ما اکنون با یکی از یورش های همه جانبه و برنامه ریزی شده ارتجاع به دستاوردهای تاریخی طبقه کارگر ایران روبرو هستیم، لذا باید با تمام توان و هوشیاری با حفظ اتحاد و وحدت عمل در صنوف جنبش کارگری-سندیکایی و تقویت پیوند با جنبش سراسری ضد استبدادی برای مقابله با این یورش و دستبرد وحشیانه مبارزه ای وسیع را سازماندهی کنیم. حزب توده ایران-حزب طبقه کارگر ایران- در کنار و همدوش سندیکاهای و تشکل های مستقل کارگری در این مبارزه با اهمیت قرار داشته و خواهد داشت.

دولت ضد ملی احمدی نژاد در چارچوب طرح تحول اقتصادی و حذف یارانه ها، برنامه اصلاح قانون کار به سود لایه های انگلی سرمایه داری ایران را آماده ساخته است. این اصلاحات که در پشت درهای بسته و بدون مشارکت و نظر کارگران و زحمتکشان و نمایندگان واقعی آنان صورت می گیرد، یورش همه جانبه به حقوق، منافع و دستاوردهای تاریخی طبقه کارگر میهن ما محسوب می گردد و از این رو مبارزه و مخالفت زحمتکشان، سندیکاهای و تشکل های مستقل صنفی آنها را به دنبال داشته است.

در این زمینه در روزهای اخیر بیانیه مشترک دو سندیکای کارگری، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه و هیات بازگشایی سندیکای کارگران فلز کار مکانیک انتشار یافته که بیانگر نظرات و خواسته های به حق، قانونی و مشروع کلیه کارگران و زحمتکشان کشور می باشد. در این بیانیه مشترک اشاره می گردد: «... ما کارگران به نسخه های خانمان برانداز صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی که نابودی اقتصاد ملی و غارت ثروت ملی مان را با هم دستی سرمایه داری انگلی تجاری داخلی نشانه رفته است، مخالف هستیم. آنچه ما را بر آن داشته تا این بیانیه را به اطلاع دیگر زحمتکشان برسانیم، بررسی مخفیانه اصلاح قانون کار در کمیسیون مجلس است...»

سپس بیانیه مشترک سندیکای کارگران شرکت واحد و هیات بازگشایی سندیکای کارگران فلز کار مکانیک با تاکید برحق برخورداری کارگران از سندیکا، لغو قراردادهای موقت و مخالفت با خصوصی سازی و خارج ساختن کارگران از شمول قانون کار در اصلاحیه مذکور یادآور می شوند: «در اصلاحیه قانون کار، فصل ششم هیچ اسمی از سندیکاهای کارگری به بیان نیامده است، در صورتی که در ماده ۱۰۱ برنامه توسعه چهارم و در رابطه با مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ و آزادی تشکیل سازمان های مستقل کارگری به سازمان بین المللی کار قول اجرایی شدن این ماده داده شده بود... طراحان این اصلاحیه، ماده ۳۳ قانون کار ضد کارگری محمد رضا شاه را دوباره زنده کرده و به کارفرمایان حقوقی بیشتر از زمان ستم شاهی برای اخراج بی قید و شرط داده است... طبقه کارگر بدون امکانات و حتی سندیکاهای چگونه می تواند در یک شرایط مساوی با (کارفرمایان) توافق بکنند آن هم در مورد دستمزد، بیمه

و سایر مسایل رفاهی؟ حذف پیمان های دست جمعی و حداقل حقوق از دیگر اصلاحات قانون کار است... در اصلاحیه قانون کار، جهت کاهش قیمت تمام شده کالاها و خدمات از کاهش مدت بیمه بیکاری به ۲ سال و کاهش مبلغ بیمه بیکاری به نصف و حتی حذف بیمه اجباری کارگران سخن به میان آمده است... طبقه کارگر می گوید که قراردادهای موقت باید لغو شود نه بهسازی، در اصلاحیه پا را از این هم فراتر گذاشته از روزمزدی و حتی کار ساعتی و کنترات هم نام برده شده است که این به معنای بردگی کامل و برگشت به قرن ۱۸ میلادی است... در اصلاحیه برای آسان شدن سرمایه گذاری، کارگاه های تا ۲۰۰ نفر از مشمولیت قانون خارج خواهند گردید... آنچه اعتراض زحمتکشان را در سراسر دنیا برانگیخته است، توصیه سازمان تجارت جهانی و صندوق بین المللی پول به دولت هاست که از هر قانونی که به نفع طبقه کارگر باشد جلوگیری شود. در کشور ما نیز برای آنکه خیال کارفرمایان و سرمایه داری انگلی تجاری راحت شود زمزمه انحلال سازمان تامین اجتماعی، تعاونی های مصرف و مسکن به گوش می رسد...»

در بخش پایانی این بیانیه مشترک اعلام می شود: «برادران و خواهران زحمتکش! ما نخواهیم گذاشت دستاوردهای یکصدساله مبارزات خونین پدرانمان با توصیه های سرمایه داری جهانی و تهاجم سرمایه داری انگلی تجاری داخلی از بین برود. سی سال نادیده انگاشتن حقوق زحمتکشان و قانون اساسی کافی است... جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور (اصول قانون اساسی)، از حقوق مسلم و قانونی ماست و خواستار اجرایی شدنش هستیم.»

... اتحاد و عزم ما و تجربه درخشان پیشکسوتان کارگری پیش روی ماست. تصمیم و اراده ما آینده ای روشن برای فرزندانمان را به ارمغان خواهد آورد. تصمیم ما راهگشاست.»

آنچه به درستی و صراحت در بیانیه مشترک قید شده، واقعیت سیاست های دولت ضد ملی و کارگر ستیز احمدی نژاد و اصول و مبانی سمت گیری ضد مردمی اقتصادی-اجتماعی رژیم ولایت فقیه است.

ما اکنون با یکی از یورش های همه جانبه و برنامه ریزی شده ارتجاع به دستاوردهای تاریخی طبقه کارگر ایران روبرو هستیم، لذا باید با تمام توان و هوشیاری با حفظ اتحاد و وحدت عمل در صنوف جنبش کارگری-سندیکایی و تقویت پیوند با جنبش سراسری ضد استبدادی برای مقابله با این یورش و دستبرد وحشیانه مبارزه ای وسیع را سازماندهی کنیم. حزب توده ایران-حزب طبقه کارگر ایران- در کنار و همدوش سندیکاهای و تشکل های مستقل کارگری در این مبارزه با اهمیت قرار داشته و خواهد داشت. حزب ما در عین حال حمایت همه احزاب و نیروهای مترقی و آزادیخواه از این مبارزه به حق را اقدامی در راستای نزدیکی و اتحاد عمل برضد استبداد و ارتجاع ارزیابی نموده و بر اهمیت چنین حمایتی تاکید می کند.

سایت حزب توده ایران

## پایه‌گذاری دموکراسی، در مسیر حرکت به سوی سوسیالیسم

به نقل از نشریه انگلیسی زبان "مورنینگ استار"

بحران جاری سرمایه‌داری ضربه شدیدی به آفریقای جنوبی زده است، به طوری که در دو سال گذشته یک میلیون فرصت شغلی از دست رفته است. بلید نزیمانده، دبیرکل حزب کمونیست آفریقای جنوبی، معتقد است: "اگر دولت حزب 'کنگره ملی آفریقا' بر تعهد خود در اجرای طرح‌های زیربنایی، از جمله برگزاری جام جهانی فوتبال امسال، پابرجا نمانده بود، ممکن بود وضع از این هم بدتر شود."

رفیق نزیمانده که وزیر آموزش عالی در دولت کنگره ملی است، چندی پیش برای تقویت پیوندهای بین‌المللی میان نهادهای آموزشی دو کشور، سفری به بریتانیا کرد. او در گفت و گویی با رفیق "رابرت گریفتر"، دبیرکل حزب کمونیست بریتانیا، می‌گوید: "ما در حال خروج از بحران هستیم، و انتظار داریم که رشد اقتصادی‌مان در سال آینده به ۲ تا ۳ درصد برسد." اگرچه این رقم نصف رقم مشابه در دوره پیش از رکود اقتصادی است، اما او معتقد است که به رغم یک تهدید عمده که کشور با آن روبه‌روست، این میزان رشد قابل دستیابی خواهد بود. رفیق نزیمانده با شور و شوق می‌گوید: "از طریق طرح دولتی 'راه رشد نوین' در سه سال آینده در حدود ۱۱۵ میلیارد دلار در بخش‌های ساختمان‌سازی، خدمات عمومی و برنامه‌های ایجاد کار سرمایه‌گذاری خواهد شد." او اضافه می‌کند: "پنج اولویت اصلی این استراتژی جدید عبارتند از: کار مناسب، آموزش، دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و درمانی، توسعه روستایی، و مبارزه با فساد و جرایم."

و اما بزرگ‌ترین خطر و تهدید برای رشد اقتصاد آفریقای جنوبی همانا اقدام آمریکا به چاپ ۶۵۰ میلیارد دلار اسکناس است که "جنگ ارزها" را دامن می‌زند و نرخ بهره‌ها را بالا می‌برد، و این در حالی است که دولت‌ها تلاش دارند ارزش کشورهای خود را حفظ کنند و بودجه ضروری را برای هزینه‌ها فراهم کنند. نرخ بهره در ژوهانسبورگ اکنون به ۵/۷ درصد رسیده است که موجب جذب پول‌هایی می‌شود که به دنبال سودهای سریع و کوتاه مدت هستند، اما خود مانعی است در راه وام گرفتن برای سرمایه‌گذاری‌های دراز مدت.

نزیمانده می‌گوید: "در حال حاضر بحثی در درون کنگره ملی آفریقا در جریان است برای مالیات بستن بر معاملات قماری و استفاده از به اصطلاح "سرعت‌گیر"ها برای تنظیم جابه‌جایی سریع سرمایه‌ها، مشابه همان کاری که در برزیل می‌کنند." اگرچه نرخ بهره را اخیراً نیم درصد کاهش داده‌اند، اما به نظر او یک کاهش یک درصدی دیگر نیز لازم است. نگرانی او همچنین درصد بالایی از جمعیت اضافه شده به کشور، "بیکار" و متکی به میزان مصرف "طبقه متوسط" و استخراج گسترده معادن است، اگرچه صادرات بیشتر به چین مزایای مالی چشمگیری برای کشور دارد. نزیمانده بر این باور است که فعالیت‌های "بانک‌های دولتی توسعه و مسکن"، و نیز "شرکت توسعه صنعتی"، باید بیشتر به سمت وام‌دهی با بهره کمتر سوق داده شود تا به این ترتیب سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان

و تولید برای بازار داخلی تقویت شود. "نزیمانده در پاسخ به این سؤال که آیا اکنون کشورش گرفتار طرح‌های مالی بخش خصوصی شده است که بازپرداخت‌های درازمدتی را بر امور مالی دولت تحمیل می‌کنند، همان‌طور که در بریتانیا رخ داده است؟ پاسخ داد: "ما هنوز خود را آن‌چنان در طرح‌های مالی بخش خصوصی گرفتار نکرده‌ایم، اما وارث چند مورد از شرکتهای دولتی - خصوصی هستیم. وزارتخانه‌های دولتی نسبتاً با احتیاط با این شرکت‌ها کار می‌کنند."

درباره خصوصی‌سازی که پیامد آن در بریتانیا چیزی نبوده است جز سودهای سرشار برای صاحبان شرکت‌ها، سر به فلک کشیدن قیمت‌ها برای مصرف‌کنندگان، و کمبود سرمایه‌گذاری در زیربنای حیاتی کشور، او می‌گوید: "حزب کمونیست آفریقای جنوبی و سندیکاها در یک مبارزه ۱۵ ساله تلاش کردند تا سیستم حمل و نقل شهری و بین شهری، شرکت هواپیمایی آفریقای جنوبی، اداره پست، و مؤسسات مالی و توسعه را در بخش دولتی حفظ کنند، اما متأسفانه مالکیت شرکت‌های مخابراتی را از دست دادیم." نزیمانده از اینکه خط مشی دولت‌های پیشین برای وادار کردن بانک‌های دولتی به فعالیت در خط کاملاً انتفاعی اکنون مورد تجدید نظر قرار گرفته است، خشنود است. رویکرد دولت پرزیدنت جیکوب زوما مبتنی بر تقویت نهادهای دولتی است تا خصوصی‌سازی یا "انتفاعی" کردن آن‌ها. تلفن زنگ می‌زند و در گفتگوی ما وقفه می‌افتد. ابراهیم پاتل، وزیر توسعه اقتصادی و دبیرکل پیشین سندیکای کارگران نساجی است که تماس گرفته است. وزارتخانه تحت نظر او را دولت جدید ایجاد کرد تا فعالیت‌های خزانه‌داری را تمرکز زدایی و کنترل کند. اما رشد اقتصادی فراتر از حد معمول، چالش‌های دیگری را به همراه دارد. نزیمانده ادامه می‌دهد: "ما به نیروی کار ماهر و آموزش دیده بیشتری نیاز داریم." و در همین بخش است که وزارتخانه تحت نظارت او باید فعالیت کند. می‌گوید: "در ۱۹ ماه گذشته یک برنامه سراسری برای آموزش پس از مدرسه تدوین کرده‌ایم. هدف درازمدت ما در مسیر توسعه مهارت‌ها، متوجه آموزش و تربیت شمار بیشتری افزارمند و تکنیسین است." نزیمانده می‌داند که راه طولانی و دشوار است. تازه‌ترین طرح او مشتمل بر کمک مالی به دانش‌آموزانی است که از خانواده‌های کم‌درآمد در جامعه‌ای هستند که در آن فقط ۵ درصد از جوانان ۱۸ تا ۲۴ ساله سیاه‌پوست در کالج درس می‌خوانند، در حالی که رقم مشابه در میان سفیدپوستان ۵۹ درصد است. او می‌گوید: "مرد ریگ استعمار را می‌توان در ساختار اقتصادی ما و تقریباً در هر گوشه‌ای از جامعه ما دید." وزارت زنان، کودکان و امور معلولان نیز به تازگی تأسیس شده است تا در میان وظایف دیگر، به مشکلات جدی خشونت‌های خانگی و تبعیض‌های اجتماعی رسیدگی کند. نزیمانده با شور و احساس می‌گوید: "این اول کار است، اما ما باید این مسائل را در وزارتخانه‌های دیگر نیز مطرح و دنبال کنیم، زنان را به همه عرصه‌های زندگی دولتی، اقتصادی و اجتماعی بکشانیم، و روابط جنسیتی را در کشورمان دگرگون کنیم." او از توجه مفرط رسانه‌های غربی به برنامه‌های خانگی و خانوادگی پرزیدنت زوما آگاه است، اما مطرح کردن دیدگاه‌های خود را برای انتشار در اینجایی مورد می‌داند. می‌گوید: "رئیس جمهور سخت کار کرده است تا اختلاف‌های محتمل و موجود میان سیاست‌های دولت، سندیکاها و حزب کمونیست آفریقا را کاهش دهد... مشورت‌های زیادی میان سه ستون اصلی ائتلاف انقلابی صورت می‌گیرد، از جمله در مورد انتخاب و انتصاب وزیران (امری که در بریتانیا فکرش را هم نمی‌شود کرد!) و حزب ما این رویکرد سازنده و جمع‌گرایانه را ارزش

می‌نهد.

حزب کمونیست آفریقای جنوبی تا کنون همیشه در برابر خواست چپ‌های افراطی و نیروهای ضد کنگره ملی برای بیرون آمدن از ائتلاف سه‌گانه مقاومت کرده است. امروزه تعداد اعضای حزب کمونیست در مجلس و هیأت دولت از همیشه بیشتر است. گوید مانتاشه، دبیرکل کنگره ملی آفریقا، صدر حزب کمونیست آفریقای جنوبی هم هست. نزیمانده با بر شمردن نمونه‌هایی از اختلاف میان برخی از سازمان‌های کارگری با مشی رسمی کنگره ملی آفریقا و کارزارهایی که این سازمان‌ها به راه انداخته‌اند، می‌گوید: «با همه این احوال، نقش مستقل سازمان‌های طبقه کارگر، مثل کنگره سندیکاهای آفریقای جنوبی و حزب کمونیست آفریقای جنوبی، در روند انقلابی کشور، نقشی حیاتی است. حزب کمونیست خط مشی درازمدت راه آفریقای جنوبی به سوی سوسیالیسم را دنبال می‌کند که در برنامه این حزب آمده است. نزیمانده می‌گوید: «تلاش ما این است که رهبری طبقه کارگر را در محیط‌های کار، در جوامع گوناگون کشور، در اقتصاد، در برخورد آرا و اندیشه‌ها، در دولت، و در سطح بین‌المللی برقرار کنیم و گسترش دهیم. نزیمانده از چشم‌اندازی که به کنگره ملی آفریقا و آفریقای جنوبی به عنوان پیشگام نیروهای چپ و ترقی‌خواه در قاره آفریقا دوخته شده است، آگاه است. او می‌گوید: «ما فعالانه از پیکاری که در سوازیلند برای دموکراسی در جریان است حمایت می‌کنیم؛ و در عین حال بر اهمیت تداوم پیشرفت‌های اخیر در زیمبابوه نیز تأکید ویژه دارد.

میلیون‌ها کارگر مهاجر در جستجوی کار از زیمبابوه به آفریقای جنوبی کوچ کرده‌اند، چرا که کارفرماهایی بی‌وجدان زیمبابوه موجب تنش و تفرقه در میان نیروی کار شده‌اند. ما همراه با سندیکاها برای وحدت طبقه کارگر پیکار می‌کنیم و تلاش داریم نظارت دولت بر شرایط استخدام و کار را بهبود بخشیم. اما در نهایت، راه حل مسئله در حراره (پایتخت زیمبابوه) است که دولت ائتلافی باید به دموکراتیزه کردن کشور و بهبود اقتصادی ادامه دهد.

رهبر حزب کمونیست آفریقای جنوبی مرحله کنونی تحول و توسعه کشور را یک مبارزه طبقاتی حاد بر سر سمتگیری جامعه می‌بیند. او می‌گوید: «بزرگ‌ترین تهدید در حال حاضر از سوی به اصطلاح لیبرال‌هاست که لبه تیز حمله را متوجه کنگره ملی آفریقا کرده‌اند و مخالف مالکیت دولتی و دخالت دولت در امور کشور هستند... برقراری یک دموکراسی بنیادی و ملی سراسرترین راه به سوی سوسیالیسم در کشور ماست.

به نقل از نامه مردم شماره ۸۵۷



## اجلاس جهانی حزب های کمونیست: آینده به سوسیالیسم تعلق دارد



دوازدهمین اجلاس حزب های برادر در آغاز دوره ای برگزار می شود که مبارزان سندیکائی کشور بیست و پنجمین سالگرد پایه گذاری کنفدراسیون اتحادیه های کارگری- “کوساتو” - را جشن می گیرند و آفریقای جنوبی میزبان هفدهمین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان است که ده ها هزار جوان مرفقی از هر پنج قاره جهان در آن شرکت دارند.

نمایندگان حزب های کمونیستی و کارگری از پنج قاره جهان، به منظور بحث و بررسی در باره بحران جهانی سرمایه داری و یورش دولت های سرمایه داری به زحمتکشان، در روزهای ۱۲ تا ۱۴ آذرماه (۳ تا ۵ دسامبر)، در آفریقای جنوبی، گردهم آمدند، و دوازدهمین اجلاس بین المللی سالانه خود را برگزار کردند. اجلاس کمونیست های جهان در روز جمعه ۱۲ آذر ماه با پیام های همبستگی کنگره اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی، فدراسیون جهانی جوانان دموکرات، و سخنرانی رفیق بلید نزیمنده، دبیرکل حزب برادر، آغاز شد.

دوازدهمین اجلاس حزب های برادر در آغاز دوره ای برگزار می شود که مبارزان سندیکائی کشور بیست و پنجمین سالگرد پایه گذاری کنفدراسیون اتحادیه های کارگری- “کوساتو” - را جشن می گیرند و آفریقای جنوبی میزبان هفدهمین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان است که ده ها هزار جوان مرفقی از هر پنج قاره جهان در آن شرکت دارند. هیئت های نمایندگی شرکت کننده در دوازدهمین گردهمایی بین المللی حزب های کمونیستی و کارگری (IMCWP)، همچنین دربردارنده هیئت نمایندگی بی از فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری (WFTU) بود، که در مراسم افتتاحیه پیامی مبنی بر حمایت و در جریان اجلاس یک سخنرانی بی تحلیلی ایراد کرد.

پرزیدنت ژاکوب زوما، رئیس جمهوری آفریقای جنوبی، یکی از اولین سخنرانانی بود که به نمایندگان دوازدهمین گردهمایی بین المللی حزب های کمونیستی و کارگری (IMCWP)، اولین کنفرانسی که در آفریقا برگزار شد، خوش آمد گفت و در جریان بحث های آن در بعداز ظهر اولین روز اجلاس در آن سخنرانی کرد. در این گردهمایی سه روزه در کشوری که حزب کمونیست بخشی کلیدی از دولت در ائتلاف سه جانبه با کنگره ملی آفریقا و کنفدراسیون اتحادیه های کارگری- “کوساتو” - را تشکیل می دهد، پرزیدنت زوما ادامه اتحاد را خواستار شد. رئیس جمهوری

قدرتمندترین کشور آفریقا در سخنرانی خود گفت: “اتحاد باید ائتلاف و نیروهای مرفقی در نقاط مختلف جهان را در اجراء موفق یک دستور کار مرفقی بهم پیوندد.”

او در سخنرانی مهم خود اظهار داشت: “من حامل دروذهای انقلابی کنگره ملی آفریقا برای نشست شما هستم.

این افتخار عظیمی برای من است که به شما به مناسبت این دیدار مهم بین المللی حزب های کمونیست - کارگری که برای اولین بار در آفریقای جنوبی برگزار می شود، خوش آمد بگویم. این اجلاس و نشست ارثیه با اهمیت برای مبارزات انترناسیونالیستی مردم و زحمتکشان در سراسر جهان است.

این امر را در گذشته کمونیست های برجسته اذعان کرده اند. موسی کوتانه، که در مقام دبیر کل و رهبر هیئت نمایندگی آفریقای جنوبی در نشست بین المللی حزب های کمونیست و کارگری، در مسکو، سخن می گفت، به عنوان بخشی از سخنان پایانی خود، در میان چیزهای دیگر، گفت: “ماهیت مبارزه ما به انقلابیون ما، کمونیست و غیر کمونیست، به طور یکسان درس های اساسی انترناسیونالیسم را آموخته است. ما بر پایه تجربه عملی به خوبی می دانیم که مبارزه ما ضد امپریالیسم با مبارزه بی که برادران ما با همان دشمن در هر کشور دیگر جهان درگیرند، یکی است.”

این تر، همبستگی بین المللی را با مبارزه برای الغای آپارتاید و نژادپرستی در کشور ما پیوند و ارتباط می دهد. به همین دلیل است که به مهمانان بین المللی مان خوش آمد می گوئیم، چرا که حضور شما تایید کننده ماهیت انترناسیونالیستی و ضد امپریالیستی جنبش ما است.

این اجلاس بار دیگر پیوند های رفیقانه و همبستگی را بین “کنگره ملی آفریقا” و جنبش های کارگری و حزب های کمونیست در سطح بین المللی مورد تاکید قرار می دهد. “کنگره ملی آفریقا” با اینکه یک سازمان مرکب از طبقات گوناگون است، همواره اساس و بنیاد آن در طبقه کارگر بوده است. بسیاری از اعضاء و رهبران ما از طبقه کارگر آمده اند، و این در حالی است که بسیاری از افراد متعلق به طبقه کارگر، “کنگره ملی آفریقا” را به عنوان حزب خود و خانه سیاسی خود انتخاب می کنند.

رئیس جمهور رادیکال آفریقای جنوبی که روابط نزدیکی با حزب کمونیست پر قدرت این کشور دارد، در ادامه در توضیح سیاست خارجی کشورش اظهار داشت: "آفریقای جنوبی حضوری قدرتمند در بسیاری از سازمان های چند جانبه و تصمیم گیرنده بین المللی دارد. این حضور، فروتنانه باید گفت که، به نظر ما، تائیدی است بر درستی سیاست خارجی مترقی مستقل، صلح جویانه و مبتنی بر همبستگی پی که از سوی ائتلاف به رهبری "کنگره ملی آفریقای جنوبی" به تصویب رسید، و در تمامی زندگی تقریباً ۹۰ ساله "کنگره ملی آفریقا" دنبال شد. اجرای این سیاست خارجی پس از آن ما را در مقابله مان با چالش بی عدالتی ها، نابرابری و فقر در جهان یاری داده است. من مطمئنم که در هنگام برخورد با مسائل اقتصاد سیاسی بین المللی، شما در مورد نیاز مبرم به اصلاح سیستم مالی و اقتصادی بین المللی موşkافانه بحث خواهید کرد. بسیاری از موسسه هایی که اقتصاد جهانی را در کنترل دارند در طول دوره های زمانی ای توسعه و تکامل یافتند که بسیاری از کشورها هنوز در اسارت بودند و نمی توانستند در تصمیم گیری در باره ساختار های جهان شرکت کنند."

قبل از سخنان رئیس جمهوری، رفیق بلید نزیمانده، دبیر کل حزب کمونیست آفریقای جنوبی، نطق افتتاحیه همه جانبه ای ایراد کرد و اجلاس را به عنوان یک "گردهمایی نیروهای چپ ضد امپریالیست، ضد سرمایه داری، هوادار صلح و دموکراسی و برای همبستگی با خلق های زحمتکش جهان" مورد بررسی قرار داد. او در رابطه با خیز جدید کشورهای سرمایه داری و قدرتمند برای دستیابی به منابع آفریقا هشدار داد و گفت این: "تقریباً یاد آور رشد استعمار اروپائی قاره آفریقا در قرن نوزدهم است. این تقلای برای استثمار هر چه بیشتر منابع طبیعی آفریقا، بدون ارائه هیچ گونه ابتکاری برای توسعه محلی آفریقا است. طبق معمول، اکنون این روند، با اعمال قدرت نظامی آمریکا همراه است، که در حال ایجاد نیروی نظامی جدیدی در آفریقا است." رفیق نزیمانده که وزیر آموزش عالی در دولت آفریقای جنوبی است، با تصدیق چالش های زیادی که آفریقای جنوبی بعد از دهه ها حکومت اقلیت استعمارگر، هنوز با آن ها درگیر است، گفت: "بحران جهانی سرمایه داری در زندگی کارگران و بینوایان در تمام دنیا، که شامل اینجا، آفریقای جنوبی، نیز می شود، نابسامانی و ویرانی به وجود می آورد."

رهبر برجسته حزب کمونیست آفریقای جنوبی در رابطه با مسئولیت ویژه کمونیست های آفریقای جنوبی در شرایط کنونی اظهار داشت: "در حین اتخاذ و اجرای تدابیر دفاعی برای تخفیف اثرات این بحران تا آنجائی که مقدور است، ما همچنین از بحران برای پیاده کردن جسورانه تدابیر دگرگون ساز که اقتصاد و کشور ما را در یک مسیر کارگری و مولد

رشد قرار می دهد، باید استفاده بکنیم." او سخنرانی افتتاحیه اجلاس حزب های کمونیست - کارگری جهان را با شعار محوری حزب کمونیست آفریقای جنوبی: "سوسیالیسم، آینده است - ساختمان آن را از همین حالا آغاز کن!" به پایان رساند. در طول اجلاس، نماینده های حزب های برادر، با ایراد سخنرانی های جامع، تحلیل ها و نقطه نظرهای خود در رابطه با بحران کنونی و در چارچوب مضمون محوری اجلاس: "بحران نظام مند تعمیق یابنده سرمایه داری. وظیفه کمونیست ها در دفاع از حق حاکمیت، ژرفش اتحاد های اجتماعی، تقویت جبهه ضدامپریالیستی در مبارزه برای صلح، پیشرفت و سوسیالیسم"، جنبه های متنوع مبارزه کمونیست ها در جهان را تصویر کردند. به ابتکار حزب میزبان، هیئت های نمایندگی در طول جریان اجلاس در فعالیت های ابتکاری شرکت کردند. از جمله شرکت در جشن های به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد پایه گذاری "کوساتو" - اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی - متحد حزب کمونیست و یکی از سه رکن استراتژیک مبارزه برای پیشرفت در این کشور. بیست و پنجمین سالگرد کوساتو، که همراه با جشنی یک روزه برگزار شد، رویداد مهمی در تقویم مبارزاتی طبقه کارگر آفریقای جنوبی است که در جریان آن مفاهیم سیاسی رابطه اتحادیه های کارگری با ائتلاف مداوم با کنگره ملی آفریقا و حزب کمونیست آفریقای جنوبی مورد تاکید قرار گرفت. هیئت نمایندگان حاضر در دوازدهمین نشست حزب های کمونیست جهان در این جشن شرکت کرد. در جریان اجلاس سه روزه دوازدهمین گردهمایی بین المللی حزب های کمونیست و کارگری، همچنین جلسه همبستگی با شکوهی در حمایت از آزادی فوری پنج کوبائی زندانی در آمریکا برگزار شد. این پویش (کمپین) برای نشان دادن حمایت تمام شرکت کنندگان در دوازدهمین گردهمایی، که بیانیه ویژه ای در حمایت از آزادی فوری پنج زندانی انقلابی و میهن پرست کوبائی، حمایت از انقلاب کوبا و مردم کوبا را امضاء کرده بودند، برگزار شد.

در آخرین نشست اجلاس در روز ۱۴ آذرماه، بیانیه همه جانبه و مفصل حزب های کمونیست جهان، با عنوان: "بیانیه تشوان" در رابطه با ضرورت مبارزه برای دموکراسی، اهمیت مبارزه و مقاومت طبقه کارگر و نیروهای مردمی، تعمیق اتحاد های اجتماعی، و نقش کمونیست ها در تقویت جبهه ضدامپریالیستی برای صلح، حفظ و پایداری محیط زیست، پیشرفت و سوسیالیسم، پس از بحث و موşkافی به تصویب رسید. متن کامل این بیانیه مهم و گزیده سخنرانی های ایراد شده در اجلاس به تدریج در شماره های آینده "نامه مردم" منتشر خواهد شد.

به نقل از نامه مردم شماره ۸۵۸، ۲۹ آذرماه ۱۳۸۹

## سومین کنگره حزب چپ اروپا، و تصمیمات مهم آن



نماینده کمیته مرکزی حزب ما نیز به دعوت لوتار بیسکی، رهبر حزب چپ اروپا، در این کنگره شرکت کرد.

سومین کنگره حزب چپ اروپا با شرکت ۲۵۰ نماینده و ناظر از بیست و چهار کشور و سی و هشت حزب (کمونیست، سوسیالیست و اکولوژیست) از ۱۲ تا ۱۴ آذر ماه (۳ تا ۵ دسامبر) در پاریس برگزار شد. نماینده کمیته مرکزی حزب ما نیز به دعوت لوتار بیسکی، رهبر حزب چپ اروپا، در این کنگره شرکت کرد.

کنگره می بایست پس از بحث و بررسی، یک "برنامه عمل جهت یک اروپای اجتماعی" برای سال های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ را تصویب کند. برنامه پیشنهادی قبل از تشکیل کنگره در اختیار شرکت کنندگان قرار گرفته بود که پس از بحث و بررسی مفصل از سوی نمایندگان کنگره به تصویب رسید. برنامه با این عبارت شروع می شود: "سومین کنگره حزب چپ اروپا زمانی برگزار می شود که ملت های اروپا به فشارها، قبول محرومیت و فداکاری های غیر قابل تحمل روز افزونی باید تمکین کنند. در واقع در اکثریت عظیمی از کشورهای اروپائی برنامه های کاهش مخارج عمومی، برنامه های ما فوق ریاضت کشی، لیبرالی کردن خدمات عمومی و بازارکار با قدرت در حال اجرا است. برای عمومی کردن چنین سیاست هائی، کشورها را، با مشارکت و همراهی کامل دولت هایشان، به زیر قیمومیت کمیسیون اروپا، بانک مرکزی اروپا و سایر نهاد هایی مانند صندوق بین المللی پول، درمی آورند، و آن ها این سیاست هارا به در شکل یک پاسخ لازم و قطعی به بحران اقتصادی و مالی و یک راه چاره، عرضه می دارند. ولی در واقع چنین سیاستی چیزی نیست جز سیاست کاملاً قدرتمند بازار و سرمایه های بزرگ. و این سرمایه داری مالی و جهانی شده کنونی است که در همه جا و در همه قلمرو ها از جمله محیط زیست، انرژی، تغذیه، فرهنگ و ارزش های اخلاقی، گسترش می یابد. ... برنامه در ادامه می افزاید: "بحران کنونی مالی بدهی و وام، نمایانگر مرحله جدیدی از این بحران است و ریشه در تحولات اقتصادی و اجتماعی سی سال گذشته دارد. متبلور شدن کلیه عوامل بحران، اکنون بیش از پیش زندگی روزانه خلق هارا به تباهی می کشاند." و در جای دیگر این برنامه می آید: "ما، احزاب چپ اروپائی، همراه با سایر احزاب و سازمان های سوسیالیست، کمونیست و "سرخ - سبز" که در کلیت خود

چپ اروپائی را تشکیل می دهند، با چنین سیاست ها و با چنین ساختارهای نولیبرالی که از سوی اتحادیه اروپا و از خلال قرارداد هایی پیاپی تا قرار داد لیسبون اجرا می گردد، مخالفیم. مسئولیت چنین سیاستی برعهده ائتلاف بزرگی متشکل از احزاب محافظه کار، لیبرال و سوسیال-دموکرات است که سال ها، اروپا و کشور های اروپائی را رهبری می کنند. ما می خواهیم یک جایگزین سیاسی برای این مدل نولیبرالی ایجاد کنیم. در برابر این دور تازه ریاضت کشی، مقاومت تازه ای در سراسر اروپا گسترش می یابد. تشویق و پشتیبانی از این مقاومت و نشان دادن امکان یک جایگزین و ایجاد جنبشی در جهت قبول چنین جانشینی، برای حزب چپ اروپا صحنه وسیع یک مبارزه است."

برنامه همچنین سایر مسائل روز را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرارداد و درباره مسائل اقتصادی و مالی پیشنهاد های مشخصی را ارائه کرد:

\* دگرگون کردن دستور کار و وظیفه بانک مرکزی اروپا. این دگرگونی باید از طریق ایجاد یک سیاست پولی مبتنی براساس یک شیوه اجتماعی موثر، دادن اعتبارات با بهره های بسیار پائین به دولت های عضو جهت هزینه کردن در قلمرو توسعه های اجتماعی؛

\* اخذ مالیات از کلیه معاملات سفته بازانه. تمام موسسات اتحادیه اروپا و کشورهای عضو باید در جهت تغییر ساختار بازار مالی در مقیاس جهانی اقدام کنند؛

\* درآمد های عمومی تازه می تواند با اخذ مالیات های جدید از درآمد های مالی بزرگ و از طریق یک رفرم مالیاتی جدید با توجه به عدالت اجتماعی حاصل گردد و این امر به یک اقتصاد واقعی کمک خواهد کرد. بازار های داخلی باید از طریق سیاست های سازنده بنیادین و افزایش در آمد های همگانی از نو جان بگیرند؛

\* الغای "بهشت های مالیاتی" برای صندوق های سفته بازی در داخل و خارج سرزمین های اروپائی.

از جمله مسائلی که "برنامه" به آن پرداخت موضوع "فقر در اروپا" بود. در این بخش گفته می شود که در اروپا هشتاد میلیون نفر زیر خط فقر زندگی می کنند و اینکه رشد وسیع بیکاری، عامل اساسی این فقر است. همچنین تعداد

روزافزون کسانی که دارای شغل های موقت و دستمزدهای پائین اند، با آنکه کار می کنند، فقیرند. دانستن اینکه در حاصلخیزترین منطقه دنیا، در بیست و هفت کشور عضو اتحادیه اروپا، از هرینج کودک یک کودک فقرزده است نشان ورشکستگی کامل سیستم سیاسی حاکم کنونی است. حزب چپ اروپا با فقر همچون یک معضل سیاسی و اجتماعی برخورد می کند.

نمایندگان کنگره حزب چپ اروپا قطعنامه سیاسی مهمی را به تصویب رساندند و آن ابتکاری است برای رویارویی و مبارزه با نقشه "ما فوق ریاضت" و گسترش آن از سوی دولت های اروپایی، به صورت یک تعرض گسترده در این زمینه، با نام "ابتکار شهروندان" که "جمع آوری یک میلیون امضا، خطاب به کمیسیون اروپایی" را در دستور کار خود قرار داده است. این جمع آوری امضا در اروپا، که در ماه های آینده از سوی حزب چپ اروپا باید عملی شود، سبب پیدایش و راه اندازی یک بحث وسیع توده ای با هدف ایجاد "صندوق اجتماعی توسعه اروپایی" و به منظور تامین مالی مخارج عمومی اجتماعی و ایجاد زیربنا های سودمند خواهد بود. چنین صندوقی از راه اخذ مالیات بر جا به جایی سرمایه و نیز تغییر جهت عملکرد بانک مرکزی اروپا اثر خواهد گذاشت.

حضور نمایندگان احزاب چپ از آفریقا و آمریکای لاتین در کنگره جنبه ای مثبت و چشمگیر در بر داشت. طی سه روز بسیاری از این نمایندگان در بحث ها شرکت کردند و به ویژه در باره اوضاع کشورهای خود و مبارزات مردم در رابطه با پلاتفرم های مبارزاتی چپ، صلح طلب و مترقی مطالب جالبی بیان داشتند. کنگره در روز سوم به جمع بندی مباحث و مصوبات و نیز انتخاب رهبری آینده پرداخت. "لوتار بیسکی"، رهبر "حزب چپ" آلمان، که تا کنون رهبری حزب چپ اروپا را به عهده داشت، با تمام شدن دوره مسئولیتش، قبل از تشکیل کنگره کناره گیری خود را اعلام کرده بود. در انتخابات جدید که با ورقه انجام گرفت، "پیر لوران"، رهبر و دبیر ملی حزب کمونیست فرانسه، با اکثریت آرا برای مدت سه سال آینده به سمت رهبر حزب چپ اروپا انتخاب شد. کنگره همچنین چهار معاون رهبر و یک خزانه دار را انتخاب کرد. در دوره قبل تنها یک معاون وجود داشت. پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران خطاب به کنگره حزب چپ اروپا از سوی نماینده حزب به هیات رئیسه کنگره تسلیم شد. در این پیام که در بر دارنده تبریک به مناسبت تشکیل کنگره چپ اروپا و همچنین تحلیلی در رابطه با تحولات دو سال اخیر میهن مان، و مبارزه توده ها بر ضد رژیم سرکوبگر حاکم است، از جمله گفته می شود:

"ما برای کنگره شما در تبیین برنامه اقدام برای توسعه

مبارزه زحمتکشان اروپا بر ضد سیاست های نولیبرالی حاکم بر حیات سیاسی و اقتصادی اتحادیه اروپا، و برای صلح، رفاه و پیشرفت آرزوی موفقیت داریم ... حزب توده ایران به نقش مهمی که "حزب چپ اروپا" در مخالفت با گرایش های نظامی گرایانه و طرفدارانو لیبرالیسم در درون اتحادیه اروپا ایفا می کند، ارج می نهد و علاقه مند به توسعه روابط دو جانبه خود با حزب چپ اروپا است... ما برای ابراز قدردانی خود از نقشی که بسیاری از حزب های تشکیل دهنده "حزب چپ اروپا" در کارزار بین المللی همبستگی با مردم ایران که در جریان مبارزه قهرمانانه اما پیچیده شان در راه صلح، دموکراسی و عدالت اجتماعی در ایران ایفا کرده اند، می خواهیم از این فرصت استفاده کنیم. ما به مبارزه همه نیروهایی که در اروپا و در سطح جهان در مقابل دشواری ها و شوربختی هایی که سرمایه داری ایجاد کرده است، استدلال می کنند که "جهانی دیگر" امکان پذیر است، درود می فرستیم. ما به مبارزه مردم و زحمتکشان اروپا برای آینده ای ترقی خواهانه، صلح آمیز و عادلانه که با موفقیت های بیشتری همراه خواهد بود اطمینان داریم ... ما اعتقاد داریم که با وجود شرایط دشوار کنونی، نیروهای مترقی در سطح بین المللی و اروپا موفق خواهند شد تا نیروهای طرفدار جنگ، استثمار و بهره کشی را شکست دهند و پرچم مبارزه برای صلح جهانی و پیشرفت اجتماعی را به پیش رانند. ما به آوای میلیون ها نفر در سراسر جهان که فریاد می زنند: "دنیای دیگری ممکن است" اعتقاد داریم. این، به باور ما، همان جهان صلح و سوسیالیسم است."

نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران، همچنین در فواصل بین جلسه ها با رهبران بر جسته حزب چپ اروپا و نیز بسیاری از نمایندگان از جمله با هیات های نمایندگی آمریکای لاتین، ترکیه، مولداوی، بلاروس، مجارستان، به تبادل نظر پرداخت و ضمن توضیح اوضاع ایران، در جواب به پرسش های آنان، تحلیل های حزب را در باره جنبه های مختلف تحولات سال های اخیر کشورمان بیان داشت و در مقابل از نظریات آنان در باره چگونگی مبارزات نیروهای مردمی در این کشورها مطلع شد.

به نقل از نامه مردم شماره ۸۵۸، ۲۹ آذرماه ۱۳۸۹



بدرود رفیق علی

هیئت اجرایی فرقه انتخاب شد. رفیق علی همواره با اعتقادات راسخ خود زندگی می کرد. دوستان و مخالفان رفیق علی در یک نکته هم عقیده هستند: رفیق علی در راه آن چیزی که به آن اعتقاد داشت، بدون هیچ تزلزلی و تا به آخر و حتی یک تنه تلاش و مبارزه می کرد. ... و سرانجام نیز همانطور که آرزو می کرد، نه در بستر، که ایستاده به استقبال مرگ رفت.

حزب توده ایران درگذشت ناگهانی رفیق علی را به خانواده گرامی و همسر فداکار و سه فرزندش و نیز همه رفقا و دوستانش تسلیت می گوید. یادش گرامی باد.

دبیرخانه حزب توده ایران  
۲۵ آذر ۱۳۸۹

به نقل از نامه مردم شماره ۸۵۸، ۲۹ آذرماه ۱۳۸۹

رفیق علی ابوذر دانشیان، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، متولد ۱۱ اردیبهشت ۱۳۳۱، در روز ۲۰ آذرماه ۱۳۸۹، در اواسط گردهمایی ۶۵مین سالگرد بزرگداشت جنبش ۲۱ آذر در باکو، دچار حمله قلبی شده و در میانه راه سکتته شدید قلبی او را از پای می اندازد و علیرغم تلاش پزشکان، زندگی طوفانی او به پایان می رسد.

خبر برای همه غیرمنتظره بود. رفیق علی درگذشت. رفیق علی ابوذر دانشیان، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، متولد ۱۱ اردیبهشت ۱۳۳۱، در روز ۲۰ آذرماه ۱۳۸۹، در اواسط گردهمایی ۶۵مین سالگرد بزرگداشت جنبش ۲۱ آذر در باکو، دچار حمله قلبی شده و در میانه راه سکتته شدید قلبی او را از پای می اندازد و علیرغم تلاش پزشکان، زندگی طوفانی او به پایان می رسد. رفیق علی در یک خانواده مبارز توده ای زاده شد. او از دوران کودکی و نوجوانی به یاد می آورد که منزل پدری او محل ملاقات رفقای توده ای عضو تشکیلات مخفی حزب توده ایران بود. پدر بزرگش از شرکت کنندگان جنبشهای خلقی ایران و پدرش از اعضای برجسته حزب بود. در دهه ۱۳۴۰، پدرش، سلیمان دانشیان، متهم ردیف سوم بیدادگاهی بود که متهمان اول و دوم آن رفیق شهید حکمت جو و رفیق علی خاوری بودند. همراه مادر و خانواده سال های سال نظاره گر پدر در میان میله های زندان بود. سرانجام راه پدر را برگزید و به عضویت حزب توده ها درآمد، و بدین ترتیب ادامه دهنده راه طوفانی پدر و پدر بزرگ خود شد. رفیق علی بعد از یورش گزندگان جمهوری اسلامی به حزب توده ایران، ناچار به ترک وطن شد، و تا آخرین لحظات زندگی در مبارزه سیاسی فعالانه شرکت داشت. وی در محل سکونت خود، باکو، همچنین همکاری موثر و تنگاتنگی با فرقه دموکرات آذربایجان داشت. رفیق علی در کنفرانس ۱۰ فرقه دموکرات آذربایجان به عضویت کمیته مرکزی و

## به مناسبت دوازدهمین سالگرد قتل

محمد مختاری و محمدجعفر پوینده

آن شب که شهر را از تابوت بیرون کشیدند  
گودال دسته‌جمعی ما را ستاره‌ها نشان کردند

مردم آزاده!

دوازدهمین سالگرد قتل تبهکارانه‌ی زنده‌یادان عرصه‌ی اندیشه و بیان، محمد مختاری و محمدجعفر پوینده، فرا می‌رسد اما نه تنها هنوز آمران و عاملان واقعی این جنایات هولناک را معرفی نکرده‌اند بلکه کماکان سکوت تنها پاسخ به خانواده‌های قربانیان و مردم ایران است. اکنون همگان می‌دانند که قتل‌های سیاسی سال ۷۷ موسوم به قتل‌های زنجیره‌ای جریان‌ی برای حذف فیزیکی دگراندیشان و آزادی‌خواهان بود. این جنایت با قتل ددمنشانه‌ی فعالان سیاسی داریوش فروهر و پروانه اسکندری آغاز شد و با ربودن و خفه کردن دو یار سربلند کانون نویسندگان ایران، محمد مختاری و محمدجعفر پوینده، به اوج رسید و برای جانباختن آدمکش چیزی جز نفرت و خشم مردم ایران و جهانیان در پی نداشت.

چنان‌که از آغاز انتظار می‌رفت این قتل‌ها سراسر ایران را به لرزه درآورد، پرده از بسیاری از مرگ‌های مشکوک دیگر برگرفت، روزنامه‌نگاران و نویسندگان و مورخان و فعالان اجتماعی و سیاسی را به بازنگری در تاریخ قتل‌ها و سرکوب‌های دو دهه‌ی پیش از آن واداشت، و دانش‌جویان و فرهیختگان را به دادخواهی طلبید. هنگامی که پرده اندکی کنار رفت آشکار شد که عاملان خون‌آشام در گذشته‌ی نه‌چندان دور از ریختن خون ده‌ها آزادی‌خواه دیگر هم‌چون زنده‌یادان احمد میرعلایی، غفار حسینی، حمید حاجی‌زاده، بیروز دوانی، مجید شریف و... هراسی به دل راه نداده بودند.

اما طی سال‌هایی که از این جنایت می‌گذرد نه تنها ابتدایی‌ترین خواسته‌های انسانی نادیده گرفته شد، بلکه با سرکوب و دستگیری و حبس و سانسور فضایی سربی بر جامعه حاکم کردند و گوی سبقت را از خودکامگان قرون وسطایی ربودند. اکنون اعمال زور و سرکوب شیوه‌ی رایج در چهارگوشه‌ی کشور است. یورش به خانه‌ها، دستگیری‌های گسترده، دادگاه‌های عدالت‌ستیز و محکومیت‌های طولانی ابعادی وسیع می‌یابد. بسیاری از منتقدان اجتماعی بدون اراییه‌ی کوچک‌ترین مدرکی در زندان‌ها به سر می‌برند و کار به جایی رسیده است که وکلای مدافع حقوق زندانیان

سیاسی نیز دستگیر و زندانی می‌شوند.

ولی افزون بر آنچه گذشت، پدیده‌ی قتل‌های زنجیره‌ای حدیث دیگری نیز دارد که از لزوم عزم و اراده‌ی نیرومندتر آزادی‌خواهان برای ریشه‌کنی آن حکایت می‌کند. در آغاز تصور می‌شد طنابی که سرکوب‌گران آدمکش به گردن مختاری و پوینده انداختند به دست و پای خودشان پیچیده است و چندی نمی‌گذرد که آمران و عاملان این قتل‌ها به سزای عمل ننگین خود می‌رسند. چنین نشد.

از یک سو، سعید امامی را از میان بردند، و با صدور قرار موقوفی تعقیب و بدین‌سان حذف همه‌ی اقراریر او از پرونده، رابطه‌ی بالا و پایین در آمریت و اجرای این قتل‌ها یک‌سره گسسته شد. سپس پرونده را از طول و عرض و ارتفاع منته کردند و سرانجام مشت‌ی عوامل اجرایی خرده‌پا را به محاکمه‌ای کشیدند که جریان دادرسی آن ماهرانه از پیش تعیین شده بود. و سرانجام ناصر زرافشان، یکی از وکلای خانواده‌های قربانیان، محاکمه و به «جرم» دفاع از موکلان خود به پنج سال زندان محکوم شد.

اما، از سوی دیگر - و این همان حدیثی است که باید بازگفته شود و مورد تأکید قرار گیرد - در فضای فروکش سریع اعتراض و التهاب مردم و بر بستر جبن و ناتوانی به‌اصطلاح اصلاح‌طلبانی که نخست برای جراحی این «غده‌ی سرطانی» عزم جزم کرده بودند اما در نهایت عقب نشستند، آمران و عاملان قتل‌های زنجیره‌ای طنابی را که موقتاً به دست و پایشان پیچیده بود باز کردند و دست‌به‌کار تدارک توطئه‌های تازه بر ضد آزادی‌خواهان شدند، که کشتار سال گذشته‌ی جوانان در کهریزک از آن جمله است.

راه افتادن چندباره‌ی ماشین قتل‌های زنجیره‌ای و تکرار چرخه‌ی کشتار آزادی‌خواهان این حقیقت را یادآوری می‌کند که بهای آزادی در این سرزمین هم‌چنان سنگین است و زدودن ننگ آزادی‌کشی از جامعه‌ی ما عزم و اراده‌ی به‌مراتب نیرومندتر مردم آزادی‌خواه را می‌طلبد.

کانون نویسندگان ایران، ضمن گرامی‌داشت یاد محمد مختاری و محمدجعفر پوینده و اعتراض به محرومیت خود از برگزاری مراسم بزرگ‌داشت برای این دو عزیز، هم‌چون گذشته‌ی خواهان معرفی و محاکمه‌ی آمران و عاملان قتل‌های زنجیره‌ای، آزادی همه‌ی زندانیان سیاسی، و حذف سانسور از تمامی زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی و تأمین آزادی اندیشه و بیان برای همگان است

کانون نویسندگان ایران

۱۳۸۹ آذر ۱۱



کانون نویسندگان ایران

اطلاعیه کانون نویسندگان ایران  
درباره بازداشت رییس دانا

مردم آزاده!

دکتر فریبرز رییس دانا، اقتصاددان، نویسنده، مترجم و عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران نیمه شب ۲۷ آذر با یورش مأموران لباس شخصی به منزلش دستگیر شده است.

در کشوری که به تازگی «نماینده» اش در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل اعلام کرده است ایران آزادترین کشور جهان است، اقتصاددانی را ظاهراً به اتهام اظهارنظر درباره‌ی «طرح تعدیل اقتصادی و حذف یارانه‌ها» کمتر از دو ساعت پس از مصاحبه بازداشت می‌کنند، تندی چند از روزنامه‌نگاران را از محل کار خود می‌ربایند، وکیلی را به اتهام دفاع از متهمان سیاسی به بند می‌کشند و مرگ تدریجی او از گرسنگی را با بی‌اعتنایی نظاره می‌کنند، کارگری را که جرمی جز دفاع از حقوق صنفی و سندیکایی ندارد ماه‌ها در زندان نگاه می‌دارند و . . .

کانون نویسندگان ایران، که به حکم منشور خود آزادی بیان را حق بی‌چون و چرای هر شهروند ایرانی، بی‌هیچ حصر و استثنا، می‌داند خواهان آزادی بی‌قید و شرط فریبرز رییس دانا و همه‌ی زندانیان سیاسی و عقیدتی دیگر است.

کانون نویسندگان ایران

۳۰ آذر ۱۳۸۹



سه‌روتار

ماوهی چهند سائیکه له کوردستان، له ژیر چه‌تری نگرسی هیزه نه‌منیه‌تیبه‌کانی رژیمدا تاقمیکی کۆنه‌په‌ره‌ست و مه‌ترسیدار به ناوی «نه‌نساڕ ئیسلام» خه‌ریکی فه‌عالیه‌تی سیاسی و مه‌زه‌بیهی و روژ له دوا‌ی روژ په‌ره‌ی به چالاکیه‌کانی خۆی داوه.

به گوێره‌ی نه‌و زانیاریانه‌ی که له به‌رده‌ست دایه، نه‌م تاقمه‌ تیرۆریسته‌ی که له هه‌ر روه‌وه‌ هاوشیوه‌ی تالیبانی نه‌فغانستان و جوندوئلا‌ی به‌لوچستانه، به پشت به‌ستن به یارمه‌تی هیزه نه‌منیه‌تیبه‌کانی رژیم و حیمایه‌تی هه‌ندیک له رژیمه کۆنه‌په‌ره‌سته‌کانی ناوچه‌که، توانیوه‌تی کونترۆلی ده‌یان مرگه‌وتی شار و گونده‌کانی کوردستان بگریته ده‌ست و بیانکات به بله‌ندگۆی ته‌بلیغاتی خۆی.

هه‌روه‌ها تا ئیستا ده‌یان شانه (هه‌سته‌ی) چه‌کداری نه‌ینی له شوینه جیا‌جیا‌کانی کوردستان پیکه‌یناوه و بو نه‌نجامدانی هه‌ر چه‌شنه کرده‌وه‌یه‌کی تیرۆریستی ناماده‌ی کردوون.

هه‌لبه‌ت نه‌مه راسته که کۆماری ئیسلامی به پیره‌و کردن و به‌ریوه‌بردنی هه‌لا‌واردانی مه‌زه‌بی دژ به نه‌ه‌لی سونه‌تی ئی‌ران و باقی که‌مایه‌تیبه‌ نایینی و مه‌زه‌بیه‌کان زه‌مینه‌ی گه‌شه‌کردنی تاقمی نه‌نساڕ ئیسلامی خۆش کردووه و به‌ناشکرا و به نه‌ینی یارمه‌تی ده‌دات. به‌لام بیگومان بینه‌نگی و بیخه‌به‌ری حزب و لایه‌نه سیاسییه پیشکه‌وتنه‌خوازه‌کانی ئی‌ران به‌گشتی و کوردستان به تایبه‌تی له چالاکیه‌کانی نه‌م تاقمه‌ نه‌وه‌نده‌ی تر

بوته‌هۆی ته‌شه‌نه‌کردنی فیکریه‌تی «سه‌له‌فی گه‌ری» له کوردستان و په‌ره‌سه‌ندنی چالاکیه‌کانی نه‌نساڕ ئیسلام،

وه‌ک هه‌نگر و بلا‌و که‌روه‌ی نه‌م فیکره‌ ئیرتیجاعیه‌یه.

واقعیه‌ت نه‌وه‌یه که له ئیستادا چالاکیه‌کانی نه‌نساڕ ئیسلام چووته‌ قو‌ناغیکی مه‌ترسیدار و پیوسته سه‌رجه‌م حزب و لایه‌نه پیشکه‌وتنه‌خوازه‌کان، واز له بی ده‌نگی و خو‌گیل کردن به‌ینن و سه‌رجه‌م هی‌ز و توانایی خۆیان بو‌ ناگا‌ کردنه‌وه‌ی خه‌نک له نامانجه مه‌ترسیدار و نامرو‌قانه‌کانی نه‌نساڕ ئیسلام بخه‌نه‌گه‌ر و به‌ر به پیشه‌وه‌ی و گه‌شه‌کردنی نه‌م تاقمه‌ بگرن.

هه‌روه‌ها، به تایبه‌ت حزب و لایه‌نه کوردستانیه‌کان پیوسته نه‌زمونه‌که‌ی کوردستانی عی‌راق له به‌رچاو بگرن و نی‌جازه نه‌دن شتیکی له چه‌شنی «ئیماره‌تی ئیسلامی کوردستان» (ته‌ویلله)، له کوردستانی ئی‌ران دووپات ببیته‌وه و ره‌وتی تیرۆر و تو‌قاندن و نانه‌من کردنی که‌ش و هه‌وا‌ی سیاسی، کۆمه‌لایه‌تی و مه‌زه‌بی به سه‌ر کوردستاندا داسه‌پینریت.

با هه‌موومان گشت هه‌وله‌کانمان بخه‌ینه گه‌ر و نی‌جازه نه‌ده‌ین نه‌م تاقمه‌ تاریک نه‌ندیشه پی بنیته قو‌ناغی «عه‌مه‌لیاتی» یه‌وه و چه‌ک هه‌نگریت و هاوشیوه‌ی تاقمی تیرۆریستی «جوندوئلا» له به‌لوچستان، ده‌ست بداته تیرۆر و کوشتن و عه‌مه‌لیاتی خو‌کوژی.

بیگومان درێزه‌دان به سیاسی به‌ خو‌گیل کردن، به هه‌ر بیانوو و پاساوێک بی‌ت، له داها‌توودا کاره‌ساتی که‌وره و فاجیه‌باری ئینده‌که‌ویتته‌وه.

ده‌سته‌ی نووسه‌رانی کازیوه

کازیوه به دۆستان و هاو‌ریکاتان بناسین!

## سەمیناریک و چەند تەبیینی!

بە گۆنەری راپۆرتی مائپەری «رۆژەھەلات نیوز»،  
لە مانگی نازەر (سەرماوەزی ئەمسالدا بە بەشداری  
کردنی ژمارەییەک لە حزب و ریکخواوە کوردییەکانی تورکیە،  
سوریە، عێراق و ئێران و چەند کەسیک لە نوێنەرانی  
پارلمان و کاربەدەستانی حکومەتی بریتانیا لە ئەندى  
پێتەختی ئەو وڵاتە بەرێوەچوو.

بیگومان دروستکردنی پێوەندی نێونەتەوویی و راکێشانی  
سەرنجی حزب و ئەیهەنە پیشکەوتنخوازەکانی سەرچەم  
وڵاتانی دنیا بۆ سەر کێشەى گەلى کورد و ھەرۆھا  
وەرگرتنی پشتیوانی و حیمایەتی ئەوان لە بزوووتنەووی  
رزگاری خوازی گەلەکەمان نە تەنھا کاریکی ناپەسەند  
و نابەجێ نییە، بەلکوو کردەوویەکی زۆر پێویست و  
پێرۆزە.

بەلام ھەموو کەس دەزانیت کە جیاوازییەکی یەكجار  
زۆر ھەبە لە نێوان راکێشانی سەرنجی حزب و ریکخواوە  
پیشکەوتنخوازەکانی وڵاتانی تر و پێوندی گرتن لە  
گەلێاندا و «بانگھێشت» کردنی حکومەتی وڵاتانی  
دیکە بۆ دەستیوەردان و دیخالەت لە کاروباری ناوخوازی  
وڵاتەکەمان!

بە داخووە ئەووی کە لە ئەندەن روویدا، حالەتی  
دووھەم بوو و ئەمەش ناتوانیت لە بەرژەووندى گەلەکەمان  
و بزوووتنەووی رزگاری خوازەکەیدا بیت. بە تاییبەت کە  
دەوڵەتە بانگھێشت کراوەکە حکومەتی دژە کورد و بەدناوی  
بریتانیا بیت.

یەعنی ئەو وڵاتەى کە لانیكەم لە پارچە پارچە کردنی  
کوردستان و دابەش کردنی کوردستانی ژێر دەسەلاتی  
ئیمپراتۆریەتی عوسمانی بۆ سەر ۳ وڵاتی تورکیا، سوریا  
و عێراق روۆی سەرەکی بوویت.

ھەرۆھا بریتانیا ھەمان وڵاتە کە روۆی سەرەکی و یەکلایی  
کەرەووی بوو لە ھێنانە سەرکاری دیکتاتۆریکی وەک «رەزا  
شا» دا کە بۆ یەكەمجار لە ئێراندا دروشمی «یەك وڵات،  
یەك نەتەوہ، یەك زمان، یەك پادشا»ی بەرز کردەوہ  
و بەم دروشمە ھەلاوردنی نەتەوویی و مەزھەبی ھێنایە  
ناو ھەرھەنگی سیاسی ئێران و بە درندانەترین شیوہ بە  
کردەووی دەرھینا.

ئەوہش لای ھەر کەسیک کە کەمترین زانیاری لە سەر میژووی  
سەردەمی ئێران ھەبیت ناشرایە کە رژیمی دیکتاتۆری  
رەزا شا ئەو سیاسەتانەى بە رینمایی و پشتیوانی ھەمە  
لایەنەى حکومەتی بریتانیا بەرێوە دەبرد.

بیجگە لەمانە نایا بەرپرسیانی ئەو حزب و لایەنە بەرێز  
و بەئەزمونانە ناگیان لە باروودۆخی سیاسی و کۆمەلایەتی  
ئێران نییە و ئەم راستییە تیناگەن کە زۆربەى ھێز و

لایەنە سیاسییەکانی ئێران و جەماوەری خەلکی ئەو وڵاتەش  
بە ھێج شیوہییەک رازی بە دەستیوەردانی وڵاتانی تر. بە  
تاییبەت ئامریکا و بریتانیا لە کاروباری ناوخوازی ئێران  
نین و ھەر کەس و لایەنیکی ئێرانیش کە خواستیکی ئەم  
جۆرەى ھەبیت و ھەلەییەکی وا بکات، لە ھەرھەنگی سیاسی  
ئێراندا بە خائین و وەتەن فرۆش ناوی ئێدەبریت؟  
بیگومان ھەلەگەلێکی ئەم جۆرە، ھێج سوودێکی بۆ میلیتی  
کورد ناییت جگە لە خەشدار کردن و ناشیرین کردن  
سیمای بزوووتنەووی نەتەووی گەلەکەمان لە ناو خەلکی  
ئێران و حزب و لایەنە سیاسییە رەسەنەکانی وڵاتەکەماندا  
و ھەرۆھا لە ئاستی جیھانیشدا.

ئێمە ھیوادارین حزبە کوردییەکان، بە تاییبەت ئەوانەى  
کوردستانی ئێران بەم ھەتسووکەوتەى خۆیاندا بچنەوہ و  
واز لە خەوونی ئالۆزی «بالتکانیزە» کردن و «ئێراقیزە»  
کردنی ئێران بھینن و دواى ئەم شتە نەکەون. بیگومان  
ئەووی ھێز و توانایی دەداتە بزوووتنەووی نەتەووی  
گەلەکەمان پتەوترکردنی پێوەندی لەگەل ھێز و لایەنە  
سیاسییە پیشکەوتنخوازەکانی ئێران و بزوووتنەووی گەلانی  
ئێران دژ بە رژیمی کۆنەپەرەستی کۆماری ئیسلامی ئێرانە  
و بەس.

## دریژهی گوشار خستنه‌سەر چالاکانی سیاسی و مەدەنی ئێرانی

### له هەریمی کوردستانی عێراق

گرتن و بەندکردنی چالاکانی سیاسی و مەدەنی کوردی  
دریژهی هەیه

له دوایین رۆژەکانی کۆتایی مانگی سەرماوەز، (نازەر)دا ناوەندی هەوائیتری سەقز ناوی کۆمەڵێک له بەندکراوان و زیندانیانی سیاسی سەقز که له ماوهی رابردوودا، به تایبەت له چەند مانگی نەخیردا به تاوانی لایەنگری له حیزبه ئۆپوزیسیۆنه‌کان دەستبەسەر کراون و له حالی حازردا له بەندیخانهی ناوەندی سەقزدا یان به دانانی بارتە (وه‌سیقه) به شیوهی کاتی نازاد کراون و چاوه‌پروانی بریاری دادگا ده‌که‌ن ب‌لاو کردووه‌ته‌وه.

به گۆڕه‌ی ئەم راپۆرتە هەنوکه ۳۷ کەس به تاوانی لایەنگری له حزب و سازمانه نه‌یاره‌کانی کۆماری ئیسلامی له سەقزدا دەستبەسەر کراون. جیگای ناماژیه که ئەم راپۆرتە ئەو چالاکه سیاسی و مەدەنیانه که به تایبەت له یه‌کسانی نەخیردا به شیوهی راسته‌وخۆ یان ناراسته‌وخۆ به هەره‌شه «ده‌مکپ» کراون ناگرێته‌وه خۆ که نه‌گەر نه‌وانه‌ش له به‌رچاو بگڕین سەرکوت و به‌ند کردن و بێده‌نگ کردنی چالاکانی سیاسی و مەدەنی ئەم شارە یه‌کجار به‌رب‌لاوتر و به‌رین تره.

هەروه‌ها به پیتی ئەو راپۆرت و هەوالانه‌ی که له لایه‌ن ریکخواه‌کانی مافی مرۆف و سەرچاوه‌کانی هەواله‌وه راگه‌یه‌ندراون، ته‌نها له س‌ مانگی نەخیردا زۆتر له ۳۰ کەس له چالاکانی سیاسی و مەدەنی مەریوان به تۆمه‌تی جۆربه‌جۆر دەستبەسەر و ره‌وانه‌ی به‌ندیخانه کراون.

جیا له‌مانه‌ چەندین کەسی تریش له شاره‌کانی بانه، مه‌هاباد، بۆکان و سنه به تۆمه‌تگه‌لیکی هاوشیوه‌ی نه‌وانی تر دەستبەسەر و ره‌وانه‌ی زیندانه‌کانی ئەو شارانه کراون.

هەروه‌ها به ده‌یان چالاکي مەدەنی و سیاسی، به تایبەت چالاکانی مەدەنی سەربه‌خۆ، به ناچار ولاتیان به‌ ج‌ هیشتوو و رویان له کوردستانی عێراق کردووه.

به‌لام به داخه‌وه ئەو چالاکه سیاسی و مەدەنییه سەربه‌خویانه له‌وه‌رێمه‌شدا هەر له ژێر گوشاری هیزه نه‌منیه‌تییه‌کانی کۆماری ئیسلامیدان و به شیوه‌ی جۆربه‌جۆر هەره‌ش‌ه‌یان لێده‌گری‌ت و به‌ره‌وروی پیلانی هیزه‌کانی ئیتلاعات ده‌بنه‌وه.

حکومه‌تی هەریمی کوردستانیش به پێچه‌وانه‌ی سەرجه‌م یاساکان و ریکه‌وتنامه ئیونه‌ته‌وه‌ییه‌کانی تایبەت به

مافی په‌نابه‌ریه‌تی و به‌رگری له په‌نابه‌رانی سیاسی، نه‌ ته‌نها له دانی مافی په‌نابه‌ریه‌تی به‌م چالاکانه خۆده‌بوێری، به‌لکو هەر دەم به بیانوییه‌کی تازه کۆسپ ده‌خاته سەر پیدانی مۆله‌تی نیشه‌ج‌ی بوون (ئیه‌قامه‌ت) به‌م په‌نابه‌رانه.

بۆ نموونه له چەند مانگی نەخیردا ناسایشی هەریمی کوردستان، به تایبەت له پارێزگای سلێمانی که له ژێر کۆنترۆلی یه‌کیه‌تی نیشه‌مانی دایه، پیدان یان تازه کردنه‌وه‌ی مۆله‌تی نیشه‌ج‌ی بوونی به چالاکانی سیاسی و مەدەنی سەربه‌خۆی ئێرانی راگرتوو و پیتی راگه‌یان‌دوون که یان ده‌بیت پشتگیری له یه‌کیک له حزبه‌کانی کوردستانی ئێران وه‌رگرن یان ئیه‌قامه‌تیان پینادری‌ت و ره‌وانه‌ی ئێران ده‌کری‌نه‌وه.

ئه‌مه‌ش هیچ مانیه‌کی نییه جگه له به «زۆره‌ملی حزبی کردن» ی ئەو چالاکه سەربه‌خویانه و گوشار خستنه سەریان بۆ وازه‌نیان له بیروباوه‌ر و چالاکیه‌کانیان.

دیاره که ئەم سیاسه‌ته‌ی ناسایشی هەریمی کوردستان، به هەر پاساوێک نه‌جام بدریت پێشیل کردنی سەرته‌تایی ترین برگه‌کانی جارنامه‌ی مافی مرۆفه که تیییدا جه‌خت له سەر ئەوه کراوه‌ته‌وه که «هیچ ده‌وله‌ت و لایه‌نێک له هیچ حاله‌تێکدا بۆی نییه به زۆر که‌سیک ناچار به نه‌ندام بوون له حزبیکی سیاسی، یان گروپێکی ئایینی و هیترا بکات».

به باوه‌ری ئیبه پێش له هەر کەس و لایه‌نێک نه‌رکی سەرشاری حزبه کوردستانیه‌کانی ئێرانه که ئەم بریاره ناپه‌سهنده‌ی ناسایشی هەریمی کوردستانی عێراق ره‌ت بکه‌نه‌وه و به‌که‌نگ وه‌رگرتن له پێوه‌ندییه‌کانی خۆیان له گه‌ل به‌رپرسیانی بالای ئەو هەریمه، داویان لێبکه‌ن به‌م شیوه‌ له‌گه‌ل، چالاکانی سیاسی و مەدەنی سەربه‌خۆ هه‌تسووکه‌وت نه‌که‌ن. بێگومان ئەمه زۆر به‌سووتره له‌وه‌ی که ئەم حزبانە دل به‌وه خۆش بکه‌ن که که‌سیک له رووی ناچاریه‌وه په‌نایان بۆ ببات و کارتی لایه‌نگرییان لێوه‌بگری‌ت که ئەمه ئاب‌ر‌و‌چوونیکي ته‌واوه بۆ ئەوان و له دری‌خایه‌ندا کاریگه‌ری نگه‌تیفی ده‌بیت له‌سەر چۆنیه‌تی هه‌تسه‌نگاندنی ئەم حزبانە له لایه‌ن ئەو که‌سانه‌وه که به زۆره‌ملی و له رووی ناچاریه‌وه کارتی لایه‌نگری نه‌وانیان وه‌رگرتوو.

**نازادی بۆ سەرجه‌م زیندانیانی سیاسی ئێران !**

## قازانجی هه نارده کردنی نهوتی ههریمی کوردستانی عیراق بۆ کییه؟

رهنگیت هیچ بابتهیک لهم بارودوخهی ئیستادا، هیندهی کیشهی هه نارده کردنی نهوت له ههریمی کوردستانهوه بۆ کۆماری ئیسلامی ئێران، شهقامی کوردی و روژنامهی ئازاد و دواچار حوکومهتی ههریمیشی مهشغول نه کردییت و کاردانهوهی رکارهکانیشی پیک هه لنه بژاندییت، دیاره کیشه که هه روا به ئاسانی تیناپه پڕی و ده بیته سه ردیپری گه لی روژنامهی عه ره بی و جیهانی و که م تا زوړیش زیانی بۆ دۆزی کرد گه باندوه، به وهی که جاریک له ده ستوور لایداوه و جاریکی تریش گه مارۆی سه ر ئێران که م ده کاته وه و جاریکی تریش ناچیتته سه ر بودجه ی ههریم.

نهوتی عیراق له په نجاکاندا خۆمالی «میلی» کراو بریار وابوو داهاته که ی بۆ به رزوهندی و به خته وه ری گه ل و نیشتمان سه رف بکریت، به لام ده ستی سه دام حسینی والا کرد بۆ سه رکوت کردنی گه لانی عیراق و گه وره ترین ماشینی جهنگی و داپلۆسینی بۆ به ره هم هیتا.

نهوت هه میشه چه کیکی دوده می نه گریسه، ده شیته له لایه ن ده سه لاته وه بکریته سه رسه خترین ئامیر بۆ زینده به چالکردنی گیانی نیشتمانی و روژنامه ی ئازاد و ئۆپۆزیسیۆن و هه موو جوانیه کانی دنیای دیمۆکراسی ده شیته چه کی نهوت ده نگه ئازاده کان کپ بکات، یان بینوسییتی، ده شیته ئه م نهوته نه گریسه به تفاقترین ده زگای تۆقاندن و تیرۆر و ویزدان مراندن و سه رکوت کردنی چی بکات، قه له مه جوامیره کان له کوپبخات... ده شی... ده شی.

خۆ به باره که ی تریشدا ده شیته ولاتت بۆ بکاته به هه شتی سه رزه مین و دره وی هه ژاری و نه خوینده واری و مهینه تباریت بۆ بکات و دلۆقانتترین ژیان بۆ میلیلهت فه راهه م به یینیته، ئیمه ی کورد ئاوات به مه یان ده خوازین و خه ون به باره پۆزه تیفه که وه ده بینین، به لام ئیستادا و لهم هه لومه ره جدها، ئه وهی که خه لکی کوردستانی ترساندوه، به کار هینانی ده مه خراپه که ی ته وته، به تایبه تی ئه و کاته ی که ناشه ففانه ده فرۆشریته و وه ک وه زیری دارایی به ریز، بایز تاله بانی ده لیته تا ئیستا، دیناریکی پاره ی ئه و نهوته نه هاتوه ته سه ر خه زینته ده ولته، دیاره سه رچاوه ی دلهر اوکیی خه لک دیارنه مانی ئه م بودجه قه به و زله ی نهوته، به تایبه تی له

هه لومه رچیکي ئه وتۆدا، که هه ژاری و بی ده رامه تی خه لکیکی زوړی کوردستانی گرتوه ته وه و خالیکی زه قوو نا هه مواره به نیو چاوانی ده سه لاته وه، نه ک هه ر ئه مه ش، به لکوو ئه و ژیرخانه ئابوو ریبه ی که رژیم سهردامی دیکاتور کالولی کرد، هیشتا هه ر ته پیوه، برینه انیشی به ته وای گوشته و زون نه بوون و میله تیش چاوه پری ژبانی باشتره، ئه مه جگه له شه قامیش که له ناره زایه تی و هه لچوون و داچووندایه و ده شیته چاره سه ری حه کیمانه ی بۆ بدو زریته وه و ههریم لهم قهیرانه رزگار کات و به ختیاری و ئاوه دانی و دلنیایی بگه رپیتته وه ناو خه لک.

له دنیای ئابوو ریدا چه مکیک یان زار او په کی گرنه هه یه، واته سامانی دریزخایه ن، ئه م تیۆریه ئابوو ریبه گرنه، پچ له سه ر ئه وه داده گریته که سامانی ولات هی نه وه په ک نیبه به ته نیا به لکوو نه وه کانی داها تووش خاوه نداریه تی ده که ن و پاراستنی ئه و سامانه ئه رکیکی نیشتمانی و نه ته وه یبه و له ئه ستوی ده سه لاتنی ئیستای کوردایه و ناییت هه روا ته خشان و په خشان بکریته، چونکه خاوه نی یاسایی و شه رعی ئه و نهوت و غازه به ته نیا و ته نیا میلیله تی دورجه نه ک چه ند تاکیک، هه ر بۆ نموونه:

ئه گه ر سه روکی خیزانیک خاوه نی سه د هه زار دۆلار بیته، ..... به ر ئه وه ی که ده سه لاتنی سه رفکردنی هه یه، ئیتر به ئاره زووی خۆی ته خشان و په خشان بکات، چونکه به ریزه په کی گونجاو تاکه کانی ئه و خیزانه، که ده کاته کوپ و کچ و ژن و ته نانه ت کوپه زا و کچه زاش خاوه نی ئه و سامانه ن، که واته ته خشان و به خشانی ئه و سامانه بۆ په رژه وه ندیبه که سی و بنه مالییه کان به پیی چه مکی «ئه لپروه المستدامه» ده ستدریژی کردنه بۆ سه ر تاکه کانی ئه و خیزانه واته «ئه و کۆمه لگایه» و سوتاندنی بنه ماله کانی ئابوو ری داها توویان و خلۆر کردنه وه یان بۆ چالی نابوو تی.

ده ره ییان و نارده نه وه ی نهوتی کوردستان به و قه باره به رچاوه و دیاره نه مانی پاره که ی، زولمیکی گه وره یه نه له نه وه ی ئیستا ده کریته به لکوو له نه وه کانی داها تووش، به تایبه تی له کاتیگدا که پاره ی ئه و نهوته فرۆشراوه تاجیتته نیو بودجه ی حوکومه تی ههریمی کوردستانه وه، هه ر چه نده لهم ماوه یه دا به ریز ئاشتی هه ورامی وتی پاره ی نهوته که خراوته سه ر بودجه و نه فه وتاوه، به لام به پیی ریوشوینی یاسایی ده بیته بچیتته سه ر وه زاره تی دارایی و به ریز وه زیری داریش تا ئیستا نکۆلی لی ده کات، دیاره ئه م دوو بۆچوونه دژیه که ی

ئەم دوو وەزىرە بەرپزە، ھېندەى تر خەلكە كەى تووشى نائۆمىدى و دلەپراوكى كىردوو.

ولآتى ئامرىكا لە ئىستادا نەوتىكى يەدەكى فرەى ھەيە و مەگەر زۆر تەنگەتاو بىت، ئەگىنا كەمتر دەستى بۆ دەبا و بە بەشى نەوەكانى داھاتووى لە قەلەم دەدات و ھەمىشە كۆمپانىا فرەو قەبەكانى خەرىكى نەوت كىرپىن لەم لاو لەولا، لە و نېزۆئىلا شافىز دواى ئەوەى نەوتىكى زۆر لە ولتەكەيدا دۆزرايەو، وتى نايىت دەست بۆ ھەمووى بېرىت و گەرەكە واز لە بەشىكى بېتىن بۆ نەوەكانى داھاتوو! ئەوەى كە جىگای تيارامانە، ئەو نەوتەى كە گوايە بە رەسمى دەچىتە نۆ بۆرى جىھانى توركيانە لە ۱۷٪ بۆ كوردستانە و ئەوەى دىكە لە ۸۳٪ بەشى نەوانى داھاتووى كوردە، بە حوسن و رەزاي خۆمان دەيخەنە گىرفانى بەغداو، واتە ھەريمى كوردستان دوچارى گەورەترىن نەزىفى ئابوورى دەيىتەو و ئىمەش بە ھەموو قەناعەتەك بۆ دەست كەوتنى ۱۷٪ قوربانى بەلە ۸۳٪ دەدەين!!

ئالپىرەدا ئەمنى قەومى كورد دووچارى گەورەترىن مەترسى دەيىت و ھەريمىش بەر پرسيارە. خارىك لە گەل ئەندامىكى لېژنەى نەوت و گاز لە پەرلمانى عىراق كە پەرلمانتارىكى ھاوپەيمانى كوردستانە، ئەمن بابەتەم ورژاند، ئەو بەرپزە راي واربوو كە كوردنەوەى كۆمپانىياى نەوت و دەرھىنانى برىكى زۆر لەو مادەيە، يارمەتى ھەريمى كوردستان لە لاين دەولتە روژئاوايىبەكانەو مسۆگەر دەكات، بە تايبەتى ئەو كاتانەى كە كوردستان دەكەويىتە بەر مەترسى ھىرشى بەغداو!

واتە ئەو كۆمپانىيانە لە پىتاوى بەرژووندى خۆياندا، ناھيىلن جارىكى تر كوردستان كۆلۆن بىكرىتەو! بەندە لەم شىكرىدەنەو سادە لەو ھەدەدا تاس برىدەيەو! من ھەر ئەوئەندەم وت باشە پەيوەندى ئەمە چىيە بە ناشەفافی گرىبەستەكانەو؟

بۆ ناكىرت دەولتەى عىراق خوانە خواستە لە كاتى ھاتنەو سەر ورگى كوردستاندا، ھەمان «ئىمتيازات» و زياترىشى بدانەو بەو كۆمپانىيانە و دەمكوتيان كات و ئاشەكەشيان ھەر لە گەراندایىت؟! تۆ بلىي ئەوەكان بىرچووويىتەو كە سەدامى دىكاتۆر، جىھان دەم وت كىرد بوو بە پارەى نەوت و مافى سەرکوت كىردنى كوردىشى بە رىفۆرم و بەختەوەرى عىراقىيەكان دەناساند؟!

تا ھەنووكەش ھەناردە كىردنى نەوتى ھەريمى جىگای مشت و مېرى حوكومەتى بەغدا و ھەريمە و بەغدا دەلېت ناياسايىە و ھەريمىش پىچەوانەكەى

و لەو نۆوندەشدا بە لېشاو ھەر نەوت ھەناردە دەكىرت، ئەمە جگە لەوەى كە نەوتى خا و نەوتى رەشيش بەشىكى تىرى كىشەكەيە، نەك لە نۆوان بەغدا و ھەريمدا بە تەنيا، بەلكوو لە نۆوان دەسلالت و ئۆپوزسىۆندا، ئەم تۆمەت گۆرىنەوہيە ھەرگىز لە بەرژووندى دۆزى كوردان نىيە و بمانەويىت و نەمانەويى قوربانى دانىكى ھەرزان بە ھاىە بە دۆزى گەلىك لە پىتاو پارە و دۆلاردا!! جارى بەر لە ھەر شت، نەبوونى شەفایيەت بۆ ئاراستە كىردنى بودجە و داھاتى ھەريم بىانويەك يان ھۆكارىكى ياسايى و دەستوورى دەداتە بەغدا بۆ لېيچىنەو و بەدواداچوون و دواچار سەرکوت كىردنى تاقىكردنەوہى فیدرالى و لەكەدار كىردنى بەوہى كە حكومەتى ھەريمى كوردستان ناعەدالەتى بەرامبەر بە خەلكى كوردستان دەكات و بە پىي مادەى ۱۰۶ لە دەستوورى عىراق، كە دەلېت: ھەر دوو لايەنەكە دەگرىتەو و لادانى يەكىكىان سەرىچىيە لە دەستوورى عىراق، ئىمە نامانەويىت بەلگەى شەفافی و گزى و گەندەلى بەدەينە دەست نەيارانمان و ئەوانىش لە ژىر ئەو پەردەيەدا وردە وردە لە بەرچا و دۆستەكانمانى بخەن و بەلاماندا بېتىن، چونتەك ئەم حكومەتەى ھەريمە قارىچك نىيە لە خۆيەو ھەلتۆقىيى، ئەم حكومەتە بەرى رەنج و تەقەلا و رووبارى خويىنى پاك و بىگەردى مىللەتە، بۆيە نامانەويىت بۆ كىردنى چەند گىرفانىك دۆزە نەتەوہيەكەمان بکەويىتە غەرغەرە، خۆ ئەگەر بەو بودجەى نەوتى كوردستانى عىراقە، ھەر ھەموو نەك تەنيا پايىتەختەكەى! بىكرىتە ولاتىكى بەختيار و ئاوەدان و پىرتەقالى وە دوبەى، ئەو نەوەكانى ئىستا و داھاتوو بە رىزەو ئەمكارە دەرخیتن و ئامادەش قوربانى بۆ دەن و بەرەوروى ھەموو ئەگەرىكى نىگەتىف بىنەو، بەلام بە پىچەوانەو ھىچ كەسىكى ھوشيار ئامادە نىيە چى تر قوربانى بۆ مشەخۆر و گەندەل بدات و شىواندى ئەم ھاو كىشە نەتەوہيەش نەكەويىتە ئەستۆى دەسلالتى ھەريمەو.

نووسەرى ئەم بابەتە چاودىرىكى سياسى ھەريمى كوردستان و عىراقە.

## سیستمی سرمایه‌داری و به‌زاندنی سنوره نه‌ت‌ه‌وییه‌کان

وهک ده‌زانریت کۆله‌که‌ی سهره‌کی گه‌شه‌ی ئابووری ولاته سهرمایه‌دارییه‌کان ده‌گه‌ریت‌ه‌وه بۆ ئه‌و گه‌شه‌سهندنه گه‌وره‌یه‌ی که بواری پیشه‌سازی به‌خۆیه‌وه بینی، به‌لام ده‌ییت ههر دم ئه‌و راستیه له یاد نه‌که‌ین که راسته خۆدی شۆرشی پیشه‌سازی توانی په‌یوه‌ندییه ده‌ره‌به‌گییه‌کان تیک بشکیئتی به ره‌خساندن هه‌لی کار له شاره‌کاندا و بواره‌خساندن له به‌رده‌م کۆچی به کۆمه‌لی جوتیاران بۆ نیو شاره گه‌وره‌کان و کار کردن له کارگا و کارخانه پیشه‌سازییه‌کان، به‌لام راستیه‌که‌ی دیکه ئه‌وه‌یه خۆدی ئه‌و شۆرشی پیشه‌سازییه نه ده‌توانرا حیگر بیئت و نه ده‌توانرا بره‌و به ره‌وتی گه‌شه سهندنه‌که‌ی بدریئت، ئه‌گه‌ر داهینانی ته‌کنۆلۆژی به‌رده‌وام پالپشت نه‌کرایه.

به گه‌رانه‌وه بۆ میژووی دروست بوونی سیستمی سرمایه‌داری و ره‌وتی گه‌شه‌سهندنی ئه‌م سیستمه ئابوورییه کۆمه‌لایه‌تییه ده‌ییت رۆلی پراکتیزه ته‌کنۆلۆژییه‌کان له یاد نه‌که‌ین، چونکه به هه‌ماهه‌نگ له‌گه‌ل که‌له‌که بوونی سهرمایه‌کان و ده‌ستاو‌ده‌ست پیکردنی له‌م نه‌وه بۆ ئه‌و نه‌وه، له‌گه‌ل ئه‌مه‌یشدا زانست و زانیارییه‌کان که‌له‌که‌یان پیکراوه، به ته‌رخکردنی به‌شیک له ده‌رامه‌ته نه‌وتییه‌کانی ولاته سهرمایه‌دارییه‌کان بۆ به‌رنامه‌کانی گه‌شه‌پیدانی زانست و بۆ ئه‌نجامدانی توپژینه‌وه‌کانی گه‌شه‌پیدان، به شیوه‌یه‌ک ئه‌و گه‌شه‌سهندانه هه‌رده‌م گۆردرا‌ه‌ته سهر ئه‌و بواره ته‌کنه‌لوژیا پراکتیکانه‌ی که ره‌نگدانه‌وه‌ی هه‌بووه بۆ سهر پیش‌خستنی ئامرازه‌کانی به‌ره‌مه‌پێتان و بۆ به‌ره‌و پێش بردنی کارامه‌یی شیوازه‌کانی به‌ره‌مه‌پێتان که سهر‌ئه‌نجام له‌گه‌ل خۆیدا فره‌یی به‌ره‌مه‌پێتان و دابه‌زینی تیچوونه‌کانی له ته‌ک خۆیدا هینا.

له ولاته سهرمایه‌دارییه پیشه‌ییه پێشکه‌وتووه‌کاندا زیده به‌ره‌می و گه‌شه‌ی ده‌رامه‌ت و ئه‌نجامدانی سهرمایه‌گوزاری مرۆیی و پراکتیزه کردنه‌وه‌ی له بواری کار و به‌ره‌مه‌پێتاندا بۆنه زنجیره‌یه‌ک له ئه‌لقه‌ پیکه‌وه گری‌دراوه‌کان که هه‌رده‌م گیانی نوپتریان به به‌ر سیستمی سهرمایه‌داریدا ده‌کرد و به خۆینی نوپتر جه‌سته‌ی سهرمایداری

ده‌هاویشته و ئه‌و زنجیره، ته‌واو کارییه‌ی نیوان ئه‌و ئه‌لقه‌ پیکه‌وه گری‌دراوه بۆ په‌ره‌پیدانی ره‌وتی چالاکییه‌کانیان ده‌بوو به‌رده‌وام دامه‌زراره و ده‌سته‌ی نوپتر له خۆ بگرن، نه‌ک په‌ره‌ی ته‌نها ئه‌و ده‌زگا دامه‌زراره خۆیان له چوارچۆیه‌ی کۆمه‌لی دامووده‌زگای فره‌می که ئه‌رکیکی به‌ره‌مه‌پێتان کالای خزمه‌تگوزاری گشتی و تایه‌ت بگرنه ئه‌ستۆی خۆیان.

هینانه‌ی دی خواست و ئامانجه‌کانی کۆمه‌لگا و دابین کردنی پیداو‌یستییه تاکه‌که‌سی و گشتییه‌کان که هه‌رده‌م له‌گه‌ل تیپه‌ر بوونی کاندا به هۆی زیاد بوونی دانیش‌تووان و گه‌شه‌ی ئابوری و کۆمه‌لایه‌تی له زیاد بوون دایه، بگره ئه‌و ده‌زگا و دامه‌زراوانه‌یش زۆر به زوو په‌لیان کیشا بۆ پرۆسه‌ تایه‌ته‌کان به کۆمه‌لی مه‌ده‌نی که فشاری خۆیان دروستکرد له پیناو چاکتر کردنی ئاستی خزمه‌تگوزارییه‌کان و گه‌شه‌پیدانی شیوازه‌کانی به‌ره‌مه‌پێتان و ریک‌خستنی په‌یوه‌ندییه‌کانی نیوان کریکاران و خاوه‌نکاران و ده‌رکردنی چهنده‌ها یاسا و ریتمایی له پیناو پاراستنی مافه‌ گشتی و تایه‌تییه‌کان، له‌وانه مافه‌کانی به‌ره‌مه‌پێنه‌ران و به کار خراوان.

هه‌رچهنده هه‌لومه‌رج و بارودۆخه ناوه‌کییه‌کانی نیو ولاته سهرمایه‌دارییه‌کان بناغه‌یه‌کی پته‌ویان بۆ گه‌شه‌سهندنی ئه‌و ولاتانه خولقاند، به‌لام زوو به زوو بریار به ده‌ستان، یا خود باشتهر بلین حکومه‌ته‌کانی ئه‌و ولاته که نوپته‌رایه‌تی به‌رژوه‌ندییه‌کانی سهرمایه‌داره گه‌وره‌کانیان ده‌کرد و هه‌رده‌م که‌وتبوونه به‌ر کاریگه‌ری فشاره‌کانیان، هه‌ر بۆیه ئه‌م حکومه‌تانه بۆ مه‌به‌ستی که‌له‌که‌ پیکردنی قازانجی سهرمایه‌داران و بۆ ساغکردنه‌وه‌ی زیده به‌ره‌مه‌کان و له پیناو که‌م کردنه‌وه‌ی زیاتری تیچوونه‌کانیان که‌وته به‌زاندنی سنوره نه‌ت‌ه‌وییه‌کانی خۆیان به ئاراسته‌ی داگیر کردنی سهر‌بازیانه‌ی ناوچه و ولاتانی دو‌اکه‌وتوو له‌و پرۆسه‌یه‌ی که ناسرا به چه‌رخ کۆلونیا‌یستی ده‌یان سال زۆربه‌ی هه‌ره زۆری توانا و وزه و ئابوورییه‌کانی ئه‌و ناوچانه خرا‌نه‌گه‌ر بۆ خزمه‌تگه‌یاندن به ئابووری ولاته سهرمایه‌دارییه‌کان.

له راستیدا به‌دوای وه‌رگرتنی سهر‌به‌خۆیی سیاسی ولاتانی حیپانی سیپه‌م به رواله‌ت رزگاریان بووه له هه‌ژموونی ولاتانی سهرمایه‌داری، به‌لام له راستیدا دوای ئه‌و چه‌رخه و به ئیستایشه‌وه، ولاتانی

فره نه ته وه بيه كان بيټ كه سه ره نه نجام چالاكييه كوټاييه كان ده ر ژينه نيو كاسه ي مالي سه رمايه داره گه وره كاني ولاتاني سه رمايه داريه كان، كه واته سيستمى سه رمايه دارى تهو سيستميه كه گه شه يه كي ئابوورى و كومه لايه تي گه وره ي بو ولاتاني سه رمايه دارى و سه رده ست خولقاندووه و به سامان و ئاره قه ي گه لاني ژير ده ست بره و بهو گه شه يه دراوه و خاوه نداراني تهو سامانه و ئاره ق ريژاني تهو ولاته هيشتا به ده ست دواكه وتووي و هه ژاريه وه دناليتن.

دواكه وتوو، جه وري زه مانه و چليسي سيستمى سه رمايه دارى دواي خستوون، هيشتا كه گيروده ي كوټ و به نده كاني پررؤسه ي دابه ش بووني كاري نيوده وله تين و هه ر تهو كوټ و به ندانه يه زياتر واي كر دووه تهو ولاتانه له بازنه ي هه ژاري و دواكه وتوويدا بميننه وه و كه ميكي زور نه يټ له و ولاتانه نه يان توانيوه هه نكاوي راسته قينه بنين به ره و گه شه سه ندني ئابوورى و كومه لايه تي. به مه به ستي هيشتنه وه ي ولاتاني دواكه وتوو به دواكه وتووي و مانه وه ي ولاته سه رمايه داريه گه ره كاني به پيشكه وتووي، سياسه تي ولاتاني سه رمايه دار له وه دا خو ي بينيوه ته وه كه هيټده بوار نه ره خسي بو ولاته تازه پينگه يشتووه كان ئابووريه كي جوراوجوري هاوسه نك بخولقيتن بو ته وه هه رده م له نيو بازنه ي سه رمايه داريدا بخوليټنه وه و له رووي ئابووريه وه به پاشكو بميننه وه. مه گه ر ته وه ي هه ر گه شه سه نديكي ئابوورى له م ولاتانه دا روو بدات ته لقه يه كي ته و او كه ري چالاكييه ئابوريه كاني ولاته سه رمايه داريه كان بيټ له ريگاي كومپانيا زه به لاح و سنوور به زينه كاني ولاته سه رمايه داريه كان بيټ، يا خود به شيك بيټ له بازنه ي چالاكييه كاني كومپانيا

كازيوه به دؤستان و هاوريكتانتان بناسيټن!